

پیغام امروز

شماره ۱۹ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۰ روال

شنبه

۸

فروردین ۱۳۵۸

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۹

۲۹ مارس ۱۹۷۹

در شرایط کشتار کردستان و کرگان
و دشت و تهدید آزادیخواهان
آیا باز هم باید در
رفراندم شرکت کرد؟

چرا اینگونه رفراندم؟

دولت، در مقام مسئول و تنها مقام مسئول، هنوز بطور اساسی و صریح، درباره رفراندم، و هلت این طرز عمل به مردم ایران توضیح نداده است. ولی در عوض، اعمال و تبلیغات، جاری، در مسیری است که بدگمانیها را نسبت به این طرز اقدام، و نظرخواهی مرحله بیشتر برمی انگیزد. توکویسی مسایقه در پیش است، مسایره هرچه محکمتر بر آزاد اندیشی و آرمانهای آزادیخواهان بزنند.

دقتی کوتاه به تبلیغات روزانه رادیو - تلویزیونی (هرچند ممکن است گمان رود، چون در آنجا بینش و تعقل و منطق به بند سانسور کشیده شده است و گفتهها و نوشتهها ملک منطقی و اصولی ندارد) اندیشهها را برمی انگیزد که آنجا، پشت پرده، ترمزهای انقلاب، در چه کارند؟ و این چه نوع استدلالی است که: موطن! اگر تو روز جمعه در رفراندم شرکت نکردی، بعد در انتخاب مجلس موسسان، و در تصویب قانون اساسی مشارکت نخواهی داشت و نیز در تعیین سرنوشت خویش!

آیا این یک تهدید است؟ اگر تهدید است پس آزادی کجاست؟ و اگر تهدیدی در آن نیست، و مغزهایی نظیر مغز فاشیسمزده داریوش همایون - هنگام انتخابات رستاخیزی - قصد مرعوب ساختن مردمان را ندارند، این اظهار اعلامیه بسی امضای حزب ملت ایران - که باید علی القاعده حزب آقای فروهر وزیر کار باشد چه معنا می دهد که دیروز روزنامه ها چاپ کرده بودند: «حزب ملت ایران از کسانی که نسبت به جمهوری اسلامی گرفتار تردید هستند و از کسانی که جمهوری را بدون پیوند اسلامی پیشنهاد می کنند و نمی خواهند این حق را به ملت مسلمان ایران بدهند که با بکار گرفتن صفت اسلامی سپهر مقبول جنبش ایمانی خود را بر پیشانی حکومتی که بانثار خون به چنگ آورده است یکوبد درخواست میکند که به جای درهم ریختن یکپارچگی ملت ایران و ایجاد آشفتگی در حرکت انقلاب به افزودن سازی شور و نیروی انقلابی مردم بپردازند چرا که در این صورت هر انحرافی از اصول آزادیخواهی و عدالت گرایی بوسیله مشیاری انقلابی مردم سرکوب خواهد شد.»

آیا خودداری از مشارکت در رفراندم انحراف از اصول آزادیخواهی و عدالت گرایی است؟ آیا مهر اسلامی بر حکومت ایران زدن دلیل آزادیخواهی و عدالت بقیه در صفحه ۲

به دنبال تظاهرات کرگنها برای پس گرفتن اراضی غصب شده

در گنبد و چند شهر گرگان ۳۰ نفر طی سه روز کشته شدند

عاملان کشتار نقابدارانی به نام پاسدار انقلاب و قوای نظامی بسیج شده از شهرهای مختلف کرگان و خراسان بوده اند

مبارزه برادران کرد را کوچک ننگریم مساله کرد، مساله ایرانست

می گویند به دهان کردها بگذارند که آنها می خواهند سرنوشت شان را، خودشان تعیین کنند. اما برادران کرد، نمی خواهند چنین کنند. آنها می خواهند با مردم ایران، از هر گروه سرنوشت مشترک و پیوند خورده داشته باشند، و در عین داشتن پیوند مشترک با دیگر مجموعهایی که ملت ایران را می سازد، از حق خودمختاری برخوردار باشند.

آنچه برادران کرد، خودمختاری می نامند، در اصل چیزی، جز حق برابری با ساکنان سایر مناطق نیست. آنها می خواهند، از فرهنگ و میراث فرهنگی کرد، چنان برخوردار شوند که یک خراسانی، یا فارسی، از فرهنگ و میراث فرهنگی فارسی برخوردار است. آنها می خواهند برنامهریزی آبادانی سرزمین خویش، آزادی عمل داشته باشند، و تهران برای سرزمین آنها، نشاخته و ناآگاه برنامه و دستور تعیین نکند. و این کاری بود که سالهای دراز، در دستور برنامه ریزی رژیم منحل قرار داشت و نام «اختیار استانداران»، و نام «اصل عدم تمرکز» به آن داده بودند ولی اجرا نشده در صفحه ۲

در زد و خورد هایی که بین کمیته چپی ها، و مردم گنبد و چند شهر دیگر گرگان روی داده، از سه روز پیش تاکنون ۳۰ نفر کشته و بیش از صد نفر مجروح شده اند. گزارشهای مختلف از خبر - گزاری پارس، رادیو لندن و ستاد چریکهای فدایی خلق و خبر تلغزی، این زد و خورد را به تفصیل بیان می کنند:

گرگان - بانا - در درگیری هایی که از دوشنبه شب در گنبد کاووس روی داد امروز - سه شنبه - نیز ادامه یافت، بموجب گزارش های تایید نشده در حدود پانزده تن کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شده اند. مجروحان این درگیری در حال حاضر در بیمارستان های گنبد بستری هستند. این درگیری در پی زد و خورد های روز پنجم فروردین روی میدهد که طی آن یک جوان ۱۷ ساله ترکمن کشته شد و متعاقب آن مغازه ها و مدارس گنبد تعطیل شد. در اجتمایی از ترکمن ها که عصر دیروز در محوطه برج قابوس بن بقیه در صفحه ۸

۱۴ سازمان سیاسی دیگر اعلام کردند

ما به جمهوری اسلامی رأی نمی دهیم

- * شیخ عزالدین حسینی: من در رفراندم شرکت نمی کنم
- * اتحاد چپ: نحوه رفراندم استقلال رأی را از افراد گروهها سلب می کند
- * سازمان پیکار: رفراندم جز فریب نوده ها معنایی ندارد
- * معلمان پیشگام: برگزاری رفراندم صحیح نیست
- * کمیته موقت ارتباطات جبهه ملی: بارفراندم موافق نیستیم
- * سازمان پیشرو برای اتحاد: محتوای جمهوری اسلامی نامعلوم است

«اتحاد چپ» اعلام کرد که در رفراندم شرکت نمی کند. در اعلامیه ای که به همین منظور انتشار یافت، می خوانیم: از دولت موقت انقلابی انتظار می رفت که محتوای جمهوری اسلامی را به آگاهی همگان برساند و قانون اساسی حکومت آینده را به بحث و انتقاد آزاد بگذارد تا مردم بدانند به چه رأی می دهند.

در بخشی دیگر از این اعلامیه آمده است: نحوه طرح سؤال رفراندم، اعلام صادقانه عقیده سیاسی و استقلال رأی را از افراد و گروهها سلب می کند، و چه بسا که راه را برای فرصت طلبان هموار می سازد. چنانکه امروز احزاب وابسته و شناخته شده به پشتیبانی از جمهوری اسلامی برمی - خیزند بدون اینکه از محتوای آن آگاه باشند.

«اتحاد چپ» همراه با دیگر نیرو های مترقی و مستقل و معتقد به اصول دموکراسی، ناگزیر در این رفراندم شرکت نخواهد جست.

رفراندم جز فریب توده ها معنایی ندارد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در بیانیه ای شرکت در رفراندم را محکوم کرد و اعلام داشت رفراندم ۱۰ بقیه در صفحه ۷

آقایان خروج از سنتو کافی نیست، اسناد خرابکاری سنتو را فاش کنید

است، و این رازها را، یک دولت انقلابی، که برای گسستن زنجیرهای اسارت امپریالیستی، در کشور خودی و در سرزمین های منطقه تشکیل شده است، نمی تواند به عنوان راز حکومتی تلقی کند و نخستین وظیفه اش افشای گری و بر ملا ساختن این اسناد و مدارک است.

مانی دانیم، درباره سیاستهای نهفته در بطن پیمان سنتو، که خود زایده پیمان نظامی «ناتو» است، وای بسا که، حتی رویای امپریالیسم و انحصارهای بین المللی نفت را در خلیج فارس، و در جهت زیان منافع و حاکمیت ملی ما، می تواند در برداشته باشد، وزارت خارجه دولت انقلابی، چگونه می تواند روش محافظه کارانه پیش گیرد. انقلاب ایران، هر نوع محافظه کاری را در قبیل روابط پنهانی رژیم منحل شاه با آمریکا، انگلیس و غرب بسختی محکوم می سازند. و ادامه روش مسامحه گرانه درین زمینه را زشت تر و نامناسب تر از اعمال جنایتکارانه و نفاق افکنانه عوامل مظاهر به انقلاب در کردستان و کرگان باید تعبیر کرد. و رابطه موجود ایشان این دو حرکت را نمی توان نادیده گرفت.

سرانجام، وزارت امور خارجه دولت موقت انقلاب بطور رسمی برای دولتهای پاکستان، ترکیه و انگلیس نامه فرستاد که ایران از «سنتو» کناره می گیرد. این اعلام کناره گیری، در اصل مورد تأیید ماست، ولی در شکل و نوع آن با دولت انقلابی بحث داریم:

پیمان «سنتو» و زایده دیگرش «آر. سی. دی» مولود کودتای ۲۸ مرداد و وقایع مترتب بر آن در منطقه ماست این پیمان، منشاء یک سلسله تخریبها و تجسسها، در کشورهای منطقه ای عضو و در سران منطقه بوده است. به موجب همین پیمان یک گروه نقشه های نظامی پیچیده برای ویرانگری در خود ایران، تعبیه شده بود که نقش با اصطلاح کارشناسان امریکایی مقیم ایران سرپرستی در اجرای آنها بود. در پیمان سنتو ما، حتی ماهیت خیلی از سیاست های ضد ملی جاری را، برای زیر فشار قرار دادن مردم استانها، بر مبنای اختلاف مذهب، اختلاف زبان و فرهنگ و شرایط جغرافیایی که پی ریزی شده بود، می توانیم ببینیم. رازهای فراوان در زمینه طرحهای اسارت آمیز و اسارت بار ملل منطقه در اسناد و مدارک پیمان سنتو نهفته

فرد هالیدی

ترجمه: منوچهر محجوبی

انقلاب در افغانستان

۹- آخرین سال های حکومت ظاهر شاه

در طول دهه بعد، پادشاه خود، با کمک معدودی از برجستگان پشتو به اعمال قدرت پرداخت. از جمله این برجستگان وزیر دفاع همه کابینه ها، ژنرال خان محمد خان، تنها برادر پادشاه نادر شاه، شاه والی که (مثل داوود خان) فرمانده نیروهای مرکزی بوده و ژنرال سید حسن، رئیس ستاد کل، تحت مقررات قانون اساسی ۱۹۶۴، نخست وزیران حق نداشتند از خانواده سلطنتی باشند، اما همه شان حقوق بگیران و فادار به ظاهر شاه بودند و علیرغم منع قانونی برای نخست وزیر خانوادۀ سلطنتی، عملاً ذره ای از کنترل عظیم این خانواده در امور مملکت کاسته نشد و کسانی را به نخست وزیر برمیگزیدند که از عوام سر برآه بودند و ضمن اطاعت از شاه، پایگاه می در میان مردم نداشتند، ظاهر شاه پس از عزل پادشاه، دست به اقدامی زد که نوعی پیشدستی تلقی شد - ضمناً بی آنکه خواست او باشد، قدمی بود در راه فراهم آوردن مقدمات سقوطش، وی در سال ۱۹۶۴ قانون اساسی تازه ای را اعلام کرد که جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۳۱ نادر شاه بود. بر اساس این قانون، انتخابات تازه ای می شد و مجلس تازه ای شکل می گرفت. این مجلس ۲۱۵ نماینده داشت که برای مدت چهار سال انتخاب می شدند. زن ها حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند و قوانین تازه ای باید وضع می شد تا جانشین قوانین اسلامی مذهب حنفی شود. حتی احزاب سیاسی هم آزاد شدند، اما به شرط آنکه مخالف اسلام و سلطنت نباشند. همه جاسوحت از «دموکراسی جدید» می شد و بسیاری از مردم موقتاً امیدوار شدند.

قانون اساسی ۱۹۶۴، در عمل متضمن هیچ تغییر مهمی در وضع سیاسی افغانستان نشد. در ماده ۱۵ قانون اساسی با صراحت ذکر شده بود که شاه مقامی غیر مسئول است، و اختیار عزل و نصب نخست وزیر، سایر وزرا و همه مقامات بالای غیر نظامی، نظامی و قضائی با او است. مجلس جدید، در بهترین صورت نیز، بسیار محدود بود و اکثریت اعضای آن را روستائیان منتخب شاه تشکیل می دادند. کابل تنها دارای چهار کرسی بود و جریان انتخابات در روستاها بسیار مضحک بود، تنها ده درصد از آنها که کارت انتخاباتی گرفته بودند رأی دادند و جز در چند شهر بزرگ، در بقیه کشور حتی یک زن در انتخابات شرکت نکرده بود. مطالعه ای بر روی اعضای جدید مجلس نشان داد که دست کم یک سوم شان بیسواد بودند و فقط سی نفر از آنها تحصیلاتی بیش از سطح ابتدائی داشتند. از ۲۱۶ نماینده مجلس ۱۹۶۵، صد و چهل و شش نفرشان روسای قبایل پاره پاره مذهبی بودند و بزرگترین گروه از شانزده گروه شغلی که در مجلس نماینده داشتند، ملاحا بودند با ۲۵ نماینده. باین همه، در نخستین انتخابات نسبتاً آزاد این کشور، بیست نفر از افراد «خطرناک» به مجلس راه پیدا کردند و چهار نفر از آنان، چنانکه خواهیم دید، از «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» بودند. انتخابات سال ۱۹۶۹ نماینده عقب نشینی با زهم بیشتر می بود: تعداد نمایندگان قبیله درنی از شش نفر به چهل و سه نفر افزایش یافت، و با آنکه بسیاری از کاندیداهای حزب دموکراتیک خلق، دارای زمینه مساعد بودند. این حزب تنها دو نماینده به مجلس فرستاد. ضمن آنکه در انتخابات ۱۹۶۵ چهار نماینده داشتند، این بار نتوانستند نماینده ای به مجلس بفرستند. نمایندگان مرتجع تمام قدرتشان را بکار بردند تا جلو هر جنبش مثبتی را بگیرند و از منافع طبقاتی خود دفاع کنند. برای مدت پنجاه سال، مالیات زمین و احشام ثابت نگه داشته شده بود و این بار هم با افزایش آن مخالفت شد و حتی مدت سه سال با تأسیس بانک توسعه صنعتی نیز مخالفت کردند.

ده سال پیش بود...

امسال هم، تکرار شد

برفی که تازانو و گاه تا کم می رسید، پیاده راه پیومدم. در آن ساعات - با خود می گفتم: «بالاخره روزی خورشید آزادی، از پس ابرهای چرکین سانسور خواهد دمید». اواخر آبانماه امسال هم، مامورین، مثل دزدها، نیمه شب خانه ام را محاصره کردند و توی خانه ام ریختند. با هفت تیر و مسلسل و گازانداز. تمام نوارهایم را بردند. منجمله نوارهای دلکش و مرضیه! کتابخانه ام را، یعنی تمام ثروت و تنهایی ام را، غارت کردند. دو کونی پر، کتاب بردند. چندتا از کتابها: دیوان حافظ، غزلیات شمس، مثنوی، دن آرام، آزادی یاسرک!

یک ماهی در زندان شهربانی کرمانشاه بودم که در آنجا به فرمان سرگرد و کیلی سرم را از بیخ تراشیدند. به هم نصفه شب، مرا با کتابها و نوارها، به کمیته منتقل کردند. سلول انفرادی. این دو بیستی ها را در آنجا سرودم:

نمه پیداس، نه خورشید، نه ستاره
سلول تاریک، هوا هم سوز داره
گل خوشبوی آزادی، کجایسی؟
دل من در هوایت، بیقراره

ز پشت میله ها مرغی سراید
که دوران ستم دیری نپاید
چو خورشید از کنام شب برآید
قفسها بشکنند، غمها سر آید
بگذرم از آزارهای دیگر. از قطع حقوق، از تهدیدها،

من متاسفم از اینکه در مقابل جانفشانی ها و مبارزات دیگران، از خودم حرف زدم. من سعی میکردم لاقلاً به اندازه کرک شبتایی اطراف خودم را روشن کنم. بیشتر از اینهم سهمی نداشته ام. مع الوصف، آزادی را، همیشه، با گلولی بغض کرده فریاد زده و طلبیده ام. زیر بار سانسور نرفته ام و در آن شرایط سیاه، لاقلاً با قلم، در حد توانانیم، افشاکری کرده ام.

ده سال پیش بود که یگروز، دونفر مامور مسلح، با لباس شخصی، زیر نگاه دردآلود بچه ها و معلم سپهریان فلسفه، مرا از سالن دبیرستان بیرون کشاندند و به ساواک بردند. پانزده روز، پایچه ها، آنجا بودم. نیمه های شب با لگدم را از خواب بیدار میکردند و توی حیاط، زیر رگبار دشنام و لگد سببوریان می کردند که کلاغ پر کنیم. لگد «خوانساری» ما را روی زمین پهن میکرد. با صورت و سینه بر زمین می خوردیم و تالان و خشمگین برمی خاستیم. سرکه می گشتیم با آبی دردآلود، واژه ای سرخ آزادی را ززمه می کردیم.

بعد ما را به زندان شهربانی منتقل کردند. سلول، تاریک بود و دیوارهایش، تا کمر کش، خیس. اواخر بهمن بود و سرما و سوز شدیدی هم در سلول پرسه می زد و ما را می لرزاند. در زیر چکمه های توهین و سرما، پایاده آزادی، دلگرم میشدیم و به سرشوق می آمدیم و سرود می خواندیم. اواسط خرداد از زندان مرخص شدم. امتحانات تمام شده بود و یکسال از عمرم تباه شد. چه باک! با خود می گفتم: رسم وره آزادی پایبند نباید کرد.

یاد آنکه زجان بازی، اندیشه نباید کرد. مرابهرجم «داشتن افکار و مرام کمونیستی» گرفته بودند، حال آنکه به شرف سوگند، تا آنروزها نمی دانستم کمونیسم یعنی چه! جوان آزادی خواهی بودم و اعتقاد داشتم (و دارم) که مردم باید آزاد باشند بگویند، فکر کنند، بدون ترس از نهیست تکنیروبی ترس از سایه ای شلاق، آزاد باشند که در تعیین سرنوشت خود شرکت کنند. آزاد باشند که اعتراض کنند، اعتصاب کنند بی آنکه به آزادی دیگران لطمه بزنند.

سال اول معلمی، راهنمای تعلیماتی، توی کولاک برف، آن برف سبگین، به آبادی آمد و گفت که: «مدیر کل آموزش و پرورش استان تو را احضار کرده». فردایش، توی برفی که تا کم می رسید، زیر سرمای گزنده بی که جانم را به شلاق می کشید، پای پیاده، سی کیلومتر راه را پیومدم تا خودم را به شهر «سنقر» رساندم. سیبلی هایم زنگوله بسته بود. فواصل زانوانم خرج خرج صدا میکردند و صورتم از سرما کبود شده بود. از آنجا، با اتوبوس خودم را به کرمانشاه رساندم. مدیر کل مرا تحویل ساواک داد. در آنجا تهدیدم کردند که: «توی ده نباید حرف بزنی. نه برای بچه ها و نه برای مردم. وگرنه با اردنک از فرهنگ بیرون می کنیم». در بازگشت، از «کرکسار» تا «سنقر» و از آنجا تا روستای «چهارملان» یعنی در حدود پنجاه کیلومتر، توی

میخواهم بگویم که رضایی ها، سعید محسن ها، ناصر صادقها، ارانی ها، روزبه ها، گل سرخی ها، شلتوکی ها، عمویی ها، صفر قهرمانی ها، جزئی ها، تره گلها، نوروزیها، بهروز دمقانی ها، بهرنکی ها، درویشیانها، رحیمی ها، حمید اشرفها، مرضیه اسکویی ها و اشرفها و لیلیا و روحی ها و هزاران هزار نازنین دیگر، شکنجه دیدند و شهید شدند که نهال آزادی برک و بار بگیرد و ثمر بدهد تا کودکان و جوانان و مردم ما از ثمرات آن استفاده کنند.

برخلاف پندار آقای بازرگان، اینها که سهمی از انقلاب می خواهند، نه کرسی ریاست می خواهند، نه مقام و عنوان، نه کرسی صدارت و نه برای خود سینه می کوبند. اینها برای خود پستان به تنور نمی چسبانند، اینها می گویند: آزادی عقیده، بیان، قلم، اعتصاب، آزادی احزاب. و این آزادیها عام است و حق مردم است و هیچ قدرتی هم، برای همیشه قادر نخواهد بود. حق طبیعی مردم را نقض کند.

نشانه هایی در دست است که خبر میدهد «آزادی» مورد هجوم قرار گرفته و عنکبوت سانسور در درتارهایش را بر زبان مردم، بر مطبوعات، بر رادیو و تلویزیون می تند. وقتی که من می بینم که به نمایشگاه های کتاب در قصر شیرین و تبریز و ... حمله می کنند و دولت سکوت می کند، آموزگاران میهن پرست و ترقی خواه را به اتهام من در آوردی «کمونیست» تهدید و از مدارس بیرون می رانند (وقایع ایلام و شیراز) و دولت عکس العملی نشان نمی دهد، طومار یک کیلومتری هم در تایید سانسور طرز فکری بر طرز فکری دیگر تهیه گردد، نمی توانم باور کنم که قفسی برای «آزادی» نمی سازند.

در مجموعه گفتار موسوی، صفحه هفت دو سطر مانده به آخر، رهبر انقلاب در مصاحبه ای با روزنامه نگاران هلندی می فرماید: «کمونیست ها در ابراز عقاید خود آزادند». پس این کاسه های داغتر از آتش چه میگویند؟ اینها از کی تا حالا دایه می سربانتر از مادر شده اند؟ چرا به سخنان خردمندانه ای رهبر انقلاب، اگر ریگی در کفش ندارند، توجه نمی کنند؟ اگر مامور هستند باید مشتشان باز شود. اگر افراد بیسواد و ناآگاه و خام و تمعصبی هستند، باید راهنمایی و ارشاد شوند. سؤال من اینست: آیا هنگام آن نیست که رهبر هوشیار انقلاب و آقای بازرگان، در این زمینه، یعنی تأمین آزادی عقیده و بیان و قلم و ... دستورات صریح و روشن و مشخص و قاطعی صادر کنند؟

منصور یاقوتی

آگهی ابلاغ دادخواست بموجب پرونده شماره ۴۸۶/۵۷ آقای دکتر حبیب اله معظمی بوکالت از خانم فاطمه خواجه نوروی پرویندخت بطرفیت آقایان غلامحسین شیرازی و علی لاجوردی دادخواستی به خواسته تعدیل اجاره بهاء باستناد سند اجاره در شعبه ۷۷ دادگاه شهرستان تهران طرح دعوی نموده و چون خوانده فوق در محل تعیین شده در دادخواست شناخته نگردیده و خواهان تقاضای دعوت نامه برده را از طریق نشر آگهی نموده لذا باستناد ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی میشود که خوانده آقای غلامحسین شیرازی و علی لاجوردی از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف سه ماه جهت دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم پیوست آن بدترین دادگاه مراجعه و در روز ۵۸/۶/۴ ساعت ۱۰ صبح جهت رسیدگی در شعبه مذکور در فوق حاضر شوید و یا وکیل ثابت الوکاله خود را تعیین نمایید و الیادادگاه غیاباً رسیدگی خواهد نمود چنانچه نیازی با گهی بعدی باشد یک نوبت و مدت آن در روز خواهد بود. مدیر دفتر شعبه ۷۷ دادگاه شهرستان تهران - هلالی فر ۲۱۳۹۲ م الف ۳-۲

آگهی ابلاغ دادخواست به آقای ابوالفضل میرمحمدی فلامجهول المکان بدینوسیله ابلاغ میشود آقای سیدباقر میرباقری طباطبائی مهرآبادی بوکالت آقای مهدی رسائی مستندا برنوشت مصدق مدارک موجود در پرونده کلاسه ۵۶-۹۲ این شعبه به خواسته تخلیه و خسارات بطرفیت شما طرح دعوی و درخواست صدور حکم نموده است اینک مفاد دادخواست و مدارک سه نوبت متوالی در روزنامه های رسمی و کثیرالانتشار معلی آگهی میشود که از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف سه ماه جهت اخذ نسخ ثانی دادخواست و مدارک بدفتر مراجعه و در روز چهارشنبه ۵۸/۶/۲۰ ساعت ۸ و نیم صبح جهت رسیدگی در شعبه ۸۶ دادگاه شهرستان تهران حضور بهم رسانند چنانچه بعد از این مورد لازم گردد فقط یک نوبت در روزنامه ها منتشر و مدت آن در روز خواهد بود. مدیر دفتر شعبه ۸۶ دادگاه شهرستان تهران - جمالیان ۲۱۳۹۵ م الف ۳-۲

آگهی ابلاغ دادخواست بموجب پرونده شماره ۳۷۴۳۷ آقای دکتر محمد مجیدی بدمیریت بانک رفاه کارگران نظرفیت کریم میناجی و ایرج بهبهانی دادخواستی به خواسته ۳۰۰۰۰۰ ریال باستناد سه برکسفته در شعبه ۷۷ دادگاه شهرستان تهران طرح نموده و چون خوانده فوق در محل تعیین شده در دادخواست شناخته نگردیده و خواهان تقاضای دعوت نامه برده را از طریق نشر آگهی نموده لذا باستناد ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی میشود که خوانده آقای کریم میناجی و ایرج بهبهانی از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف سه ماه جهت دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم پیوست آن بدفتر این دادگاه مراجعه و در روز ۵۸/۶/۳ ساعت ۱۰ صبح جهت رسیدگی در شعبه مذکور در فوق حاضر شوید و یا وکیل ثابت الوکاله خود را تعیین نمایید و الیادادگاه غیاباً رسیدگی خواهد نمود چنانچه نیازی با گهی بعدی باشد یک نوبت و مدت آن در روز خواهد بود. مدیر دفتر شعبه ۷۷ دادگاه شهرستان تهران - هلالی فر ۲۱۳۹۴ م الف ۳-۲

مساله كرد مساله ايرانست

بقیه از صفحه ۱

نمیشد، زیرا، غول مکنده نیروهای مولده و لوتوتهای کشور، در تهران تمرکز داشت. بانکها، وزارتخانه‌ها، سازمانها، موسسات بازرگانی، حتی صنایع، از هرکوه، در تهران واقع شده بود، و تهران، تمام کشور را استثمار می‌کرد، می‌کنید.

کردها، با طرح مساله خود، مساله موجود در آذربایجان، در گیلان و مازندران، در گسرکان و خراسان و بلوچستان، در کرمان و فارس و خوزستان را مطرح ساخته‌اند. خودمختاری، یا حق برخورداری برابر از آزادی های اساسی و طبیعی، امری نیست که مطالبه خاص کردها باشد. ولی این هست که کردها، آذربایجانیا، و تیره‌های دیگری از جمعیت ایران، دستخوش ستم مضاعف بوده‌اند، و استبداد و استیلاگری متمرکز در تهران، برای حفظ مواضع استیلائی خود، از ستم فرهنگی، و ستم اقتصادی که بر این سرزمین‌ها روا می‌داشته با توجیه «تجزیه طلبی» دفاع کرده است. و با آنکه انجمن های ایالتی-مصرح در قانون اساسی سابق ناظر بر حق برخورداری استانها و ایالات کشور از خودمختاری، و نوعی وجود ترمز در اصل تمرکز بوده است، هرگز به مردم ایالات ایران، اجازه برخورداری از این حق داده نشده است تا آنجا که حتی نقشه جامع شهر شیراز یا سنندج و مهاباد و مشهد و تبریز را، در ساختمان مرکزی سازمان برنامه تهران تهیه می‌کردند.

اکنون نیز طرح مساله کرد، به صورتی که عوامل محافظه‌کار و مرتجع در سطح نظامی عنوان ساخته‌اند و فاجعه سنندج مولود طرز فکر آنهاست، دشمنی مستقیم عوامل ضد انقلاب، با حقوق مردم ایران بشمار می‌آید، و باید، توجه داشت که مخالفان و دشمنان مبارزه و مطالبه برادران کرد ما، کسی جز دشمنان مردم ایران و حقوق مردم ایران نیستند. و اینان هرچا که باشند، خصم دشمنی با آزادی با حقوق مردم است.

بخاطر پخش تراکت دستگیر شدند
آیزنهاور دستگیر شدند
این دو دختر در تقاطع خیابان بختیار بدنبال تیراندازی هوایی مأموران کمیته دستگیر شدند و تا کنون اطلاعی از آنان در دست نیست

تصویب از مجلس موسسان به فراندوم بگذارند.
برگزاری فراندوم صحیح نیست:
معلمان پیشگام اعلام کردند به دلایل زیر از شرکت در فراندوم خودداری می‌کنند:

- ۱- شرایط دموکراتیک برای انجام انتخابات وجود ندارد.
- ۲- بدون تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی توسط آن، برگزاری فراندوم صحیح نیست.
- ۳- محتوای جمهوری اسلامی برای ما معلوم نیست.
- ۴- نحوه انجام همه‌پرسی انحصاری و غیر دموکراتیک است.

با نحوه انجام فراندوم موافق نیستیم:
« کمیته موقت ارتباطات، جبهه ملی ضمن انتقاد از مشی دنباروانه رهبران این جبهه، اعلام داشت در فراندوم شرکت نخواهد کرد. در اعلامیه این کمیته آمده است: از آنجا که ما تنها راه روشن شدن نظام آتی را اظهار نظر درباره معاد قانون اساسی آینده و بحث و تصویب آن میدانیم، بدون انجام این مقدمات، هر نوع سؤال کلی را خالی از فایده، و جواب مثبت یا منفی به هر موضوع مبهمی را زیانبخش دانسته، نمی‌توانیم با نحوه انجام فراندوم اعلام شده موافق باشیم و در آن شرکت کنیم.

سازمان سیاسی کردستان در فراندوم شرکت نمی‌کند.
بدنبال انتشار اعلامیه سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان - که دیروز در پیغام امروز چاپ شد - ۸ سازمان سیاسی دیگر کردستان نیز اعلام کردند که در فراندوم شرکت نمی‌کنند. این سازمان‌ها عبارتند از:

جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب کردستان (سنندج) اتحادیه خواستاران حقوق خلق کرد ایران (مریوان) - جمعیت طرفدار زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد (سقز) جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد (بوکان) ستاد مشترک نیروهای دموکراتیک (مهاباد) - جمعیت راه‌راهی زحمتکشان (مهاباد) - جمعیت مبارزین - راه آزادی و مدافع حقوق ملی و دموکراتیک خلق کرد (بانه) و جمعیت طرفداران زحمتکشان و دفاع از حقوق ملی خلق کرد (نقده).

این گروهها در نشست بعد از ظهر دوشنبه، طی اعلامیه‌ای علل شرکت نکردن در فراندوم را چنین ذکر کرده‌اند:

- ۲- نامشخص بودن ماهیت و محتوای جمهوری اسلامی.
 - ۳- عدم رعایت حق خلقها مخصوصا عدم رعایت حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد.
- در قسمتی دیگر از اعلامیه آمده است: اکنون ملت ایران و بویژه خلق بپاخاسته کرد با نگرانی از برقراری يك ديكتاتوری جدید به‌آینده نامعین و مبهم می‌نگرند.

خلاصه شده نيوزويك

آنچه بجز صلح، در قرار داد

صلح مصر و اسرائيل ديده ميشود:

حدود ۵ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی آمریکا بمصر
تفصیل نفت مورد نیاز اسرائیل از جانب آمریکا
بمدت ۱۵ سال
دخالت همه جانبه نظامی ایالات متحده در خاورمیانه
این عشن‌ترین قرارداد است که بعنوان رئیس جمهور امضاء میکنم (جیمی کارتر)
دستور اسرائیل به نفت صحرائ سینا بعنوان تاورانی برای ترک این منطقه
این سؤال که آیا مصر در يك جنگ احتمالی اعراب با اسرائیل بنفع اعراب اقدام میکند بسکوت بر گزار شد.
جمع کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا به مصر و اسرائیل برای سه سال آینده ۱۲٫۵ میلیارد دلار میباشد.
کمکهای نظامی آمریکا به اسرائیل در ده سال آینده ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است.
مصر تاکنون حدود ۲۰ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا درخواست کرده است.
احتمال می‌رود که در آینده بین اسرائیل و آمریکا يك معاهده نظامی برای دفاع اسرائیل در مقابل کشورهای بسته شود.
کمکهای اقتصادی عربستان سعودی به مصر قطع نخواهد شد.

۱۴ سازمان سیاسی ديگر اعلام كردند

بقیه از صفحه ۱

فروردین جز فریب توده‌ها و طبقه کارگر معنایی ندارد. در این بیانیه می‌خوانیم:

محدود کردن دایره انتخاب مردم به دوشکل رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی چیزی جز محدود کردن دایره دموکراسی و انتخاب توده‌ها و سرپوش گذاشتن برخواستها و نظرات آن بخش‌هایی از توده‌ها که پرهیچکدام از اشکال پیشنهادی صحنه نگذاشته و هر دو را مردود می‌شمارند، نمی‌تواند باشد.

همچنین طرح سؤال انحصار طلبانه «جمهوری اسلامی» آری یا نه؟، توده‌های مردم را در منگنه يك انتخاب تحمیل شده و اجباری می‌فشارد و آزاده آنها را در انتخاب آزادانه حکومت آینده و در جریان يك برخورد خلق و آگاهانه نادیده میانگارد. مردم ما خواستار آنند که تا در متن يك جریان آگاهی بخش، يك فضای دموکراتیک و آزاده «انتخاب» مورد نظر خود بپردازند.

اما این برخورد های غیر دموکراتیک و انحصار طلبانه فقط يك جانب مسئله است، جنبه دیگر این است که مردم بچه‌نوع حکومتی و باچه محتوی و مضمونی باید رای بدهند. تجزیه تاریخ بارها و بارها نشان داده است که قدرتهای سیاسی تحت نامهای بسیار فریبنده، مرتکب جنایتها و ستمگریهای بیحدی شده‌اند. بنابر این نام جمهوری اسلامی نمی‌تواند ملاکی برای سنجش و انتخاب باشد و وادار کردن مردم به رای و نظردمی در مورد نوع حکومتی که تاکنون هیچیک از رؤس برنامه‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی آن روشن نشده و قانون اساسی این حکومت در معرض آگاهی و قضاوت مردم قرار نگرفته است، يك حرکت کاملا غیر دموکراتیک و انحصار طلبانه می‌باشد.

از این دیدگاه، روشن است که فراندوم پیشنهادی دولت موقت با خصوصیتی که بدان اشاره شد، جز فریب توده‌ها و طبقه کارگر، جز کشاندن مردم به راه ناخواسته‌ای که فقر سیاسی و فرهنگی زمینه آن را فراهم می‌کند، معنای دیگری ندارد. و به همین دلیل شرکت در آن از نظر تمام نیرو های انقلابی و دموکرات تمام نیروهای معتقد به منافع و طبقه کارگر، محکوم و مردود می‌باشد.

محتوای جمهوری اسلامی معلوم نیست:

سازمان پیشرو برای اتحاد و نهضت ملی عدم شرکت خود را در فراندوم اعلام کرد. در اعلامیه این سازمان می‌خوانیم: یکبار به نادیده گرفتن همه ضوابط موجود تکلیف می‌کنند به جمهوری اسلامی که محتوا و فرم آن معلوم نیست رای دهید. چطور این موضوع پراهمیت را که حتی از نظر سطوح مبارز و بالای جامعه مخفی مانده، همینطوری به فراندوم می‌گذارند بدون اینکه به مخالفان اصولی خود عملا حق اظهار نظر بدهند، تمام وسایل ارتباط جمعی و جراید در اختیار کسانی قرار دارد که با علم به اینکه آنها خود از پیش پیروز هستند باز هم به کسی میدان نمی‌دهند که واقعا بگویند نه آری و یا اینکه بپرسند ضوابط جمهوری اسلامی آنها چیست؟

سازمان پیشرو این شیوه فراندوم و نحوه برگزاری آنرا شدیداً محکوم نموده و عدم شرکت خود را صریحاً اعلام می‌نماید و موکداً از دولت آقای مهندس بازرگان می‌خواهد که بطور جامعه پسند و انسانی اولاً مجلس موسسان دعوت نموده و قانون اساسی و نحوه اعمال حکومت را پس از

شکجه یکی از هواداران سازمان چریکهای فدایی بوسیله کمیته امام

مأموران کمیته امام يك افراد کمیته امام دستگیر کردند. نوجوان هوادار سازمان چریکهای این افراد عضو کمیته خیابان فدایی را که در میدان خراسان عارف بودند. مرابه مسجد امام اعلامیه پخش میکرد دستگیر کرده‌واو حسن بردند آنجا آقای نجفی - را شکجه داده‌اند.
این نوجوان «مجتبی دهقانی» گوشم زد. به او گفتم آقا اقلای نام دارد. سه روز پیش در مسجد احترام لیاست رانگهدار. دستور داد پاهایم رابه میله آهنی بستند
نجفی پیشماز مسجد بوسیله وباسیم کابل شروع به زدن من افراد مسلح کمیته امام زیر تک نمودند. آنها سعی داشتند که از قرار گرفت. خبرنگار پیغام امروز من اعتراف بگیرند که چه کسانی با اورستاد سازمان چریکهای فدایی خلق گفتگویی انجام داده است که می‌خوانید:
تعریف کن که چگونه و چرا دستگیر شدی؟ با توجه کار کردند؟
داشتم روزنامه «کار» می‌فروختم بالاخره ساعت ۱ بعد از نیمه شب و تعدادی اعلامیه چریکها را پیروز از زندان کمیته امام آزاد پخش میکردم که ۵ نفر مسلح از شدم.

چرا اینگونه رفتارندم

بقیه از صفحه ۱

کرایبی بشمار می‌آید؟. آیا لازمه رهایی از رژیم سلطنتی جاگرفتن در قالب اسلامی است؟. آیا نیرنگی پشت این قلم‌مو و جعبه رتک پنهان نساخته‌اید؟ و آیا در طول هفتاد و پنج سال گذشته مردم ایران، زندگی و فرهنگ اسلامی خود را نداشته‌اند؟. آیا اسلامی که از آن سخن می‌گوئید اسلام محمد و علی است یا اسلام موجود بیمارگونه‌یی که به مردم خالی از آگاهی قوت قلب می‌دهد تا همانطور که رژیم شاه را برانداختند، مطبوعات را کن‌فیگون سازند؟.

آیا این آزادی سیاسی است که مراجع تقلید، از طریق رادیو - تلویزیون و مطبوعات مرعوب پی‌درپی اعلام کنند که مردم در دادن رای آزادند، ولی ما، به جمهوری اسلامی رای می‌دهیم و از آنها نیز دعوت می‌کنیم به این جمهوری رای بدهند؟. و آیا این همان موضع آخوند خراسانی است که وقتی از وی نظر می‌خواستند و می‌گوشیدند بر زبان آن عالم دین و مرجع تقلید بگذارند که مشروطه مشروعه، پاسخ میداد: ...! مشروطه مشروعه نمی‌شود.

این همه هست و ما فراموش نمی‌کنیم. بصورتی که درآمد است و عمل میشود در فراندوم، دو گروه می‌توانند شرکت کنند:

- ۱- آنها که معتقد به بازگشت رژیم سلطنتی و حکومت سلطنت هستند.
- ۲- آنها که به حکومت مذهب و استیلائی دولت مذهبی عقیده دارند.

و تمام نیرو های هائل و بالغ و آگاه، اعم از معتقدان مذهبی و سیاسی، که به آزادی، و حکومت ناشی از مردم، و اراده مردم قایلند و نمی‌خواهند، در شمار سلطنت‌طلبان، یا معتقدان حکومت و فرمانروایی علمای مذهبی باشند، از رده رای دهندگان فراندوم طراحی شده، بیرون می‌مانند. و اینان درست همان نیرو های فعال و آگاه اجتماعی هستند که در قبال اجتماع، کشور و منطقه و زمان خویش احساس مسئولیت می‌کنند.

اگر ایران برای آزاد زیستن و آزاد اندیشه کردن، و برای حق برخورداری از آزادیهای شناخته شده عصر ما، تنگ است، گناه با مردم آزادخواه و ترقی طلب نیست، گناه با پیشروان معتقد و مدافع آزادی نیست. و این نیرو های فعال و حق طلب، چندان شکیبایی و تاب مبارزه دارند که در برابر هر سلیقه ستم تازه، سرپا بایستند، چنانکه ستم ۲۵ ساله رژیم مروسکی شاه که به کارگردانی امپریالیسم حامی آن، بر این مبارزان تحمیل شده بود، آنها را از پا در نیاورد.

ولی آنها که در نقش ترمز انقلاب، خود را به هراب و آتش می‌زنند، و به آزایدخواهان و انقلابیان صادق برچسب ضد انقلاب می‌چسبانند، چرا دمی فرصت نمی‌کنند که سیمای خود و افکار رطوبت گرفته خود را در آینه پنگرند.

عوامل بیمارگونه دشمن آزادی، وضعی مشخص دارند، اینان زمان نوجوانی هم دشمن آزادی و عاشق تعصب بودند، درین میان تکلیف دولت موقت انقلاب چیست با آن مسئولیت خطیر ملی و مردمی که بر دوش دارد؟. آیا بایک سخنرانی شکوه آمیز در اجتماع تبریز مسئولیت لوٹ میشود؟

جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال:

در فر اندم شرکت نمی کنیم

انتخابات در شرایط فعلی امریست مخدوش و مردود

* راه هرگونه تبلیغ اندیشه برای بسیاری از مردم بخصوص زحمتکشان بسته شده است
* حکومت اسلامی هنوز برنامه دقیقی ارائه نداده

* انقلاب ایران اگر نتواند نهادهای اجتماعی و اقتصادی را دگرگون سازد انقلاب نیست بلکه جنبشی رفرومیستی است

رفرومیستی است ما معتقدیم که در نهادهای اولیه انقلاب بزرگی هستیم که می رود به اوج جوشندگی خود و خسروش خودش برسد. بهر حال مردم بسرعت آموزش می بینند و آنچه از نظر ذهنی و فکری محرب می شوند که در این شرایط متعارف اصولاً قابل تصور هم نیست.

و در دوران انقلاب مردم به شدت - پرسوعظن، بدبین و کنجکاو هستند. و دقیقاً غلغله اینست که مردم به دست خودشان رژیم حاکم گذشته را سرنگون کردند و به همین دلیل خواستار این هم هستند که از کتله امور سر در بیاورند و به محض اینکه کوچکترین پدیده ای که از نظرشان منطقی نباشد پیش آید شکی در اینها پیدا می آید و این شک های متعددی که در وجود اینها انباشته می شود بصورت انفجاری در دوران انقلاب ظهور می کند.

مردم بخاطر آزادی قیام کردند و آزادی امری است که در مخالفت و در انتقاد مفهوم پیدا می کند و تجلی می شود مثلاً کانون نویسندگان ایران در مرحله سانسور تشکیل شد اتحادیه نویسندگانی که در جهت دستگاه صحبت میکردند و تعلق می گفتند اینها همیشه آزاد بودند و هیچگاه احساس نمی کردند سانسور هم وجود دارد. در تمام ادوار سیاسی تاریخ از حکومت کوروش گرفته تا انوشیروان و چنگیز خان و یزید و غیره و غیره همیشه آزادی موافقت با حکومت، و آزادی موافقت با رژیم تملق گفتن و مدح و ثنا گفتن وجود داشته است ولی آزادی مخالفت وجود نداشته است و در کشوری که مخالف وجود نداشته باشد و انتقاد را نمی پذیرد و وجود نداشته باشد فداش خوانده است. و اینکه یک رژیم میسر این مطلب که حتماً یک رژیم سیاه ضد انسانی و آنجا حاکم است چون مردم حتماً انتقاد کنند و حتماً گروههای مخالف باید وجود داشته باشد، چون در کشوری که بانظام طبقاتی اداره می شود یک حکومت هیچگاه نمی تواند مطلوب و حافظ منافع تمام مردم جامعه باشد. برای اینکه منافع مردم با هم در تضاد است. گروهی مثلاً مستاجر هستند گروهی موجر، گروهی کارفرما، گروهی کارگر منافع اینها با هم در تضاد است. اینست که اگر دیناری از منافع گروهی کم شود به منافع گروه دیگر اضافه می شود. حکومت یا هر حزب سیاسی که فعالیت می کند می باید یک مشی مشخص تعیین کند که مدافع منافع کدامیک از طبقات است و یکی از ایراداتی که در مورد حکومت اسلامی وجود

بخش اول مصاحبه با « جمعیت دفاع از آزادی و استقلال » را در آخرین شماره سال کهنه خواندید. تعطیل نوروزی و قفای در انتشار این مصاحبه ایجاد کرد. بهر حال این شما و این ادامه گفتگو.

مطلب دیگر اینست که راه هرگونه تبلیغ اندیشه برای بسیاری از صفوف مردم ما بخصوص زحمتکشان مملکت ما بسته شده است مثلاً مبلغین مذهبی را فرستاده اند که بروند از ایای جمهوری اسلامی را در بین روستائیان تبلیغ کنند ولی مسأله چنین امکانی را به گروهها و کسان دیگر یا به صاحبان نظریات دیگر نداده اند که بروند و صحبت کنند. ممکن است بگویند شما می توانید بروید به روستاها و برایشان صحبت کنید.

ولی ما حتی زحمتکشان شهری را هم نمی توانیم مورد تبلیغ مستقیم قرار دهیم. مثلاً خود بنده دوسه هفته پیش رفتم به شهر صنعتی قزوین که سخنرانی کنم، در آنجا بمن گفتند که از کمیته دستور داده اند که هیچکس حق ندارد در اینجا سخنرانی کند، مگر اینکه حکم از کمیته امسام داشته باشد. یا اینکه در صنایع فلزی ایران دو تا مسلسلچی رفته اند و به آنها احطار کرده اند که دانشجو نباید در این محل صحبت کند. بعد آقای محمدی رفته آنجا شروع به تحلیل اوضاع و احوال کرده است از جمله گفته است کمونیستها رنهایشان اشتراکی است و چنین و چنان که گویا یکی از سهندین هم گفته است که خودم مسلمان هستم ولی پدرم کمونیست بوده بفرمائید که آیا حلال زاده هستم یا حرام زاده در حقیقت با اینراه دوران رستاخیز به خاطر می آید تبلیغ آزاد در کشور ما وجود ندارد. و قتیکه مسئله تبلیغ آزاد وجود نداشته باشد، طبیعی است که انتخاب آزاد هم نمی تواند وجود داشته باشد.

انقلاب یا رفروم

من - انقلاب ایران از دیدگاه جمعیت چگونه و در چه مرحله ایست؟

ج- بسیاری از مردم معتقد هستند که آنچه که در کشور ما رخ داده یک جنبش رفرومیستی است. ما مانند بسیاری از مردم معتقدیم که یک انقلاب اجتماعی است. و بین اینکه یک انقلاب اجتماعی یا یک جنبش رفرومیستی است همیشه در پایان پرده مشخص خواهد شد یعنی اگر آنچه در ایران رخ داده بتواند نهاد های اجتماعی و اقتصادی را دگرگون سازد قطعاً یک انقلاب است یعنی اگر نتواند این نهادها را دگرگون سازد می توان گفت که جنبشی

رستاخیز حرف بزنند. هیچ چارچوبی نباید حافظ آزادی باشد. چارچوب با هر یافی بافته شده باشد آزادی کش است. شاه میگفت همه آزادند ولی ما آزادی خیانت به کسی نخواهیم داد. مرز برای آزادی قائل شدن در حقیقت خفه کردن آزادی است. آزادی مرز ندارد و در این دریای بی مرز آزادی انسانی است که آزادیها و استعداد های بشری غول آسا شکوفا خواهد شد و ما ایمان راسخ داریم که ما طریق به وصول این راه را داریم سیر می کنیم.

و بزودی مردم ایران به آن خواهند رسید محمد علی شاه می گفت و کلا آزادند ولی به شرط اینکه در سیاست دخالت نکنند. یعنی در تاریخ گذشته ما بخصوص دوران اخیر به شیوه های گوناگون و انواع دسائس و مستمسکها به ایجاد سانسور و خفقان دست زده اند. مردم ما این تجربیات را دارند و تجربیات کهنه دیگر کارائی خود را از دست داده است. و اگر اینها اکنون هم بکار بسته شود نشان ضعف فکری و ضعف عملی نیروهای آزادی کش در کشور ماست.

اتحاد - مبارزه - پیروزی
س - اساس وحدت ایدئولوژیکی جمعیت شما بر چه مبنائی قرار دارد؟
ج- جمعیت ما همینطور که از اسمش مشخص است جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال است یعنی جمعیت معتقد است که در هر دوره ای می بایستی با سازمانها و احزابی که برای وصول به هدفهای مرحله ای دارای مناقمی هستند می توانستند شونند یعنی در هنگامی که این نام را برگزید معتقد بودیم که به صورت حزبی، فرقه ای و یا گروهی امکان پیروزی بر استبداد و ایستنه به امپریالیزم وجود ندارد. اتحادی از تمامی نیروهای مردم می تواند استبدادی که

ج: شاه هم در سال ۱۳۴۱ شش ماده باصطلاح انقلابی را به رفرا ندوم گذاشت. مردم ایران بعدها متوجه شدند که تزویری بیش نبوده است. در آن موقع جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال وجود نداشت. اما اکثریت دوستانی که در این جمعیت با ما همکاری دارند، در طول بیست و پنج سال گذشته سکوت نکرده بودند، و بصورت گوناگون در صحنه مبارزات حضور داشتند. هر انسان مسؤؤل و آگاهی در آن رفرا ندوم شرکت نکرد، چون آنرا نمی پسندید. بدون اینکه بتوانند تأثیری در نتیجه رفرا ندوم داشته باشند. ولی موضوع اینست که تأثیر اساسی را در هر زمینه درست یا نادرست مردم می گذارند. بهر حال مردم به آنچه که نهایتاً درست یا غلط است، واقف خواهند شد.

س: فکر می کنید شرکت نکردن شما در رفرا ندوم اثری در نتیجه آن خواهد داشت؟

ج: شاه هم در سال ۱۳۴۱ شش ماده باصطلاح انقلابی را به رفرا ندوم گذاشت. مردم ایران بعدها متوجه شدند که تزویری بیش نبوده است. در آن موقع جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال وجود نداشت. اما اکثریت دوستانی که در این جمعیت با ما همکاری دارند، در طول بیست و پنج سال گذشته سکوت نکرده بودند، و بصورت گوناگون در صحنه مبارزات حضور داشتند. هر انسان مسؤؤل و آگاهی در آن رفرا ندوم شرکت نکرد، چون آنرا نمی پسندید. بدون اینکه بتوانند تأثیری در نتیجه رفرا ندوم داشته باشند. ولی موضوع اینست که تأثیر اساسی را در هر زمینه درست یا نادرست مردم می گذارند. بهر حال مردم به آنچه که نهایتاً درست یا غلط است، واقف خواهند شد.

پوند

آغاز ثبت نام کلاسهای ترم بهار را با اطلاع میروساند

چهار راه جمهوری (شاه سابق) روبروی شاتر لیزه
تلفن ۶۶۲۲۳۵

آگهی احضار

به متممین مجبورالکمال زیر که هر یک به اتهامی تعقیب دادرسی شهرستان تهران قرار گرفته اند و پرونده پس تنظیم قرار مجرمیت و صدور حکم خواست به شنبه ۳۱ دادگاه جنسی تهران واقع در خیابان امیریه از خیابان قزوین ناحیه ۳ دادرسی تهران ارجاع گردیده است و چون در محل اقامت معرفی شده بر حسب گزارش مامور مربوطه شناخته نشده اند و بعلت مجبورالکمال بودن ابلاغ وقت رسیدگی غیرمعتبر میباشد حسب دستور دادگاه باستاند ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی سه نوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز آگهی میشود که مدت سه ماه پس از نشر آخرین آگهی در دادگاه حاضر شوند و در صورت عدم حضور دادگاه غیر باتهام آنان رسیدگی و حکم شایسته صادر خواهد کرد و چنانچه بعد از ابلاغ وقت رسیدگی در یک نوبت و در یک روزنامه و مدت آن در روز است.

۱- پرونده کلاسه ۳۱-۳۵-۱۰۰۴ اتهامی حسین بالاندرخواست فرزند محمد باتهام اغفاء ماهی های صید شده قاچاق از دریای خزر

۲- پرونده کلاسه ۳۱-۳۵-۱۲۸ اتهامی فریده فقیدی مشهور به ملیحه فرزند اسکندر باتهام دایر کردن فاحشه خانو نظافتگران

۳- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۵۷ اتهامی مهدی زاده فرزند سعاده بعلت عدم ثبت واقعه ازدواج با بانو مرحمت و عدم اخذ شناسنامه جهت فرزند

۴- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۱۱۱۱ اتهامی عوض دست بست زنده تیمور به اتهام شروع بکلاهبرداری

۵- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۱۱۲۶ اتهامی ۱- کریم رشتی زاده ۲- احمد هورفر باتهام کلاهبرداری

۶- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۱۷۲۹ اتهامی حسین باوطن فرزند رضا باتهام مزاحمت بانوان

۷- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۲۰۰۲ اتهامی منوچهر کمالی فرزند باقر باتهام سرقت ضبط صوت

۸- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۲۰۰۲ اتهامی احمد حسینی فرزند علی باتهام جرح با چاقو

۹- پرونده کلاسه ۳۱-۳۶-۲۷۲۷ اتهامی افسانه رشیدی فرزند حسین باتهام ایراد ضرب به محمد حسین میرزائی

مدیر دفتر شعبه ۳۱ دادگاه جنس - حدادزاده

۲۱۳۹۷-الف ۲-۲

آگهی بدینوسیله به متمم به نام حسین دانش (رانوش) کارمند راه آهن ناحیه تهران که در مورخه ۵۶۵۵۹۹ بعنوان رئیس قطار سریع السیر تهران مشغول انجام وظیفه بوده و فلا بازنشسته و مجبورالکمال بشخ

پرونده ۵۶۶۳۲ مطروحه در بازپرسی سمنان باتهام ایراد ضرب و جرح نسبت به علی اصغر غلیلی و غیره اخطار میشود طرف مدت دوماه پس از انتشار آخرین

آگهی خود را باین بازپرسی جهت اخذ دفاع و آخرین دفاع معرفی نماید در صورت عدم معرفی طبق ماده ۱۱۱ قانون مجازات عمومی رفتار خواهد شد.

حسین مظفر پور - بازپرس دادسرای سمنان

۲۱۳۹۱-الف ۲-۲

گزارشی از نوروز سرخ سنج

* ارتش ملی، خانه‌ها را ویران کرد، کمونیست‌های ۱ ساله و ضد انقلابیون ۲ ساله را به خون کشید
 * سرخی خون به هفت سین سنجی‌ها اضافه شد
 * قبل از سخنرانی آیت‌الله طالقانی، مردم شعار می‌دادند: «هدیه دولت بازرگان، خون بود - خون بود...» - «سانسور، کشتار، درد دولت بازرگان»

۱۵۰۰۰ کشته و مجروح هدیه نوروزی ارتش ملی به مردم سنج

حمله مردم به پادگان

تیراندازی خشم مردم را صدچندان می‌کند. مردم به سوی پادگان حمله ور می‌شوند تا برای دفاع از خود مسلح باشند. تلاش گروه‌های انقلابی شهر، از جمله چریک‌های فدائی و «جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب» برای جلوگیری از خونریزی به جایی نمی‌رسد. مردم به پادگان‌ها حمله می‌کنند. پادگان ژاندارمری مقاومت نمی‌کند. مردم مهمات آنجا را مصادره کرده و به پادگان لشکر حمله ور می‌شوند. پادگان لشکر باتیراندازیهای مداوم و شلیک خمپاره مقاومت می‌کند. نیروهای انقلابی شهر به همراه فرمانده لشکر سرهنگ ماشاءالله صفری - درخواست آتش‌بس می‌کنند. مردم آتش‌بس را می‌پذیرند. پادگان سرپیچی می‌کند و به تیراندازی ادامه می‌دهد.

مردم بلافاصله یک شورای موقت انقلاب تشکیل می‌دهند. رادیو تلویزیون را اشغال می‌کنند. شخصی بنام «صدیق کمانگر» به عنوان سخنگوی شورای موقت پیام‌های شورا را به مردم می‌رساند. بعدها کوشش شد که این شخص را که فقط سخنگو بوده محرك جریان قلمداد کنند... شورای موقت به سازماندهی مردم خشمگین می‌پردازد و در پیام‌های مکرر تقاضای آتش‌بس می‌کند اما پادگان همچنان بی‌اعتنا می‌ماند.

مسئله دیگری که خشم مردم را برانگیخت حمله هلی‌کوپترهای مسلسل‌دار به مردم کوچه و خیابان بوده کاری که ارتش طاغوتی هم نکرده بود... در جریان جنگ عده‌ای از سربازان پادگان به مردم می‌پیوندند. عده‌ای از مردم نیز بوسیله افراد پادگان دستگیر می‌شوند.

با اینحال مردم برای آتش‌بس سنگرها را خالی می‌کنند اما پادگان همچنان با شلیک خمپاره و تیربار خانه‌ها را خراب می‌کند و بی‌کشته‌ها می‌افزاید.

در شهر یا مسمود خسروی، قاضی دادگستری در مورد جریانات سنج و مسئله کرد به گفتگو نشستیم او گفت که خودمختاری در چهارچوب ایران دموکراتیک حق مسلم خلق کرد است. خسروی جنگ تحمیلی از سوی مرتجعین را به مردم سنج یک فاجعه خواند. او از اینکه دولت و ستاد ارتش با اعلامیه‌های خود ماهیت مسئله را مسکوت گذاشته و حتی مردم را مرتجع و ضد انقلاب خوانده اند، اظهار تاسف کرده و گفت که این امر نشانگر اینست که یا دولت از مسئله کردستان بی‌خبر است و یا به

سننج در اولین بهار آزادی بوی خون می‌داد. نسیم نوروز در لایلای خشم و خنوله راه کم کرده بود و سرکردان به سفره‌های هفت سین اغشته به خون می‌نگریست. کودکان ۱۰ ساله، زنان ۵۰ ساله، جوانان ۱۷ ساله داشتند بسیار آزادی را باور می‌کردند. اما... خلق کرد خودمختاری می‌خواهد. خلق کرد خودمختاری را بدون حضور در ایران دموکراتیک نمی‌خواهد. خلق کرد می‌خواهد آزادانه به زبان مادری حرف بزند، بخواند و بنویسد. می‌خواهد حاکم بر زندگی خویش باشد و از زنجیرهای اسارت یار چندصد ساله رهایی یابد. خلق کرد هم‌اوا با مردم ایران فریاد کشید، چنگید، قربانی داد و شاورا اخراج کرد... در سنج برخلاف سایر نقاط ایران، دو کمیته اسلامی وجود داشت. یکی از آنها به رهبری روحانی سنی آقای مفتی‌زاده - مورد تأیید امام خمینی - که اداره امور شهر را بدست داشت. کمیته دوم به رهبری آقای صفدری، روحانی شیعه - که از قم اعزام شده بود و فرماندهی لشکر ۲۸ را به عهده داشت. در اطلاعاتی که از سوی جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب سنج صادر شد علت شروع جنگ، تضاد بین این دو کمیته ذکر شده است. و این تضاد چیزی نبود جز دخالت صفدری در حوزه نفوذ مفتی‌زاده. در هفته آخر اسفند شایعه تخلیه سیلو و ذخیره غذایی شهر و نیز تخلیه پادگان و مهمات سنج قوت گرفت. کمیته آقای صفدری از کمیته آقای صفدری که فرماندهی پادگان را نیز برعهده داشت، برای دفاع از شهر تقاضای مهمات و فشنگ کرد اما آقای صفدری این تقاضا را رد می‌کند. گویا کمیته صفدری در امور شهر هم که قاهدتا می‌بایست بوسیله مفتی‌زاده اداره شود، دخالت می‌کرده است. آقای مفتی‌زاده فتوایی تقاضای مهمات و رد تقاضا را بوسیله صفدری در شهر تکثیر می‌کند. عده‌ای از مردم برای اطلاع از جریان به ستاد مفتی‌زاده می‌روند و پس از آن برای چهارچوبی به ستاد صفدری می‌روند. در ستاد صفدری مقدار زیادی اسلحه و مهمات وجود داشت. وقتی مردم به ستاد صفدری - نماینده قم - می‌رسند از داخل ستاد به سوی مردم تیراندازی می‌شود. عامل تیراندازی شخصی بنام شاهر محمد بوده است که بعد بوسیله مردم کشته می‌شود و در کرمانشاه از سوی جامعه روحانیت بعنوان شهید اسلام به خاک سپرده می‌شود.

از شاعر بخون خفته خلق، علیرضا اوختای

ترجمه متنون

کردستان

آنک، کوه‌های سر برافراخته .
 بر مناعت این قله‌ها، چکمه‌های خونین راهی نتوانند گشود
 و آهوان این دامنه‌ها
 تیر صید افکنان بیگانه را آماجی نخواهند بود
 چونانکه انسان کت بسته اسیر
 در غروبگاهان دلگیر
 نه تبسمی بر لب خواهد داشت
 و نه سرشکی بر دیده .

*
 دره‌های عمیق، با آب‌های جوشناک
 بدانسان ژرف و برجوش
 که انسان شاعری چون «هزار» نتواند برورد
 و آب‌های «قرل اوزن» همیشه جاری این دره‌ها
 شیرین و آتشین
 بدانگاه که به دیار ما فرامیرسد
 سوزدل سالیان رفته را به ارمغان می‌آرند.

*
 در سینه کت‌ها، بیشه‌زاران بلوط.
 به گاه غروب، هر مرغی هزار دستان می‌سراید
 و با این لالائی شیرین، آهسته، آهسته
 کردستان زیبا، در خواب فرو میرود

*
 همانند زنبقستانی کبود و انبوه
 بوته زاران توتون، از دامنه‌ها به دشت‌ها گسترده می‌شوند
 و در این پهنه، جوانگان و دوشیزگان
 از برخاستن تا نشستن خورشید، تلاش می‌ورزند.

*
 این کوهساران دهرینه روز
 این ایل و تبار مباحات اندوز
 با همه همدرد، و با ما همراه.
 ای سوخته در بسی آتش، با هم بسوزیم ایدوست.

*
 در کوهپایه، چراگاه خرم
 در چراگاه، چوپان دژم
 و بر لب چوپان، آن‌نی، که غم جوانمردان را سرمی‌دهد
 آن غم، که در بیستون فرهاد را بخون می‌آلاید
 و زیبای زمان، گل دیارم، شیرین را ملول از جان می‌سازد.

*
 آنک، کوهساران سر برافراخته
 بر این بلندبها، چکمه‌های خونین، راهی نتوانند جست
 گشتاوران آن، راست بالایان خمیده چشم‌اند
 در دل‌هاشان عشقی بزرگ
 عشقی از آندست که در سینه «صلاح‌الدین» بوته
 آتش نهاد
 و در افسانه‌های رزم انسان، بر کمر او شال همت بست.

*
 تا آنگاه که «قرل اوزن» چون سالاری محتشم روانه است
 تا آنگاه که ستارگان را بر خاک، نگرشی شبانه است
 با دهر بار، پالیزی که خلق من کاشته است
 و پایدار، برادر ما؛ کردستان.

در یزد کمیته امام با زور نمایشگاه را تعطیل کرد و از سخنرانی مادر رضائیه جلوگیری نمود

نمایشگاه پوست‌های انقلاب دانشجویان هنرهای زیبا که فرار بود در یزد برگزار شود، تنها یک ساعت و نیم پس از افتتاح، بوسیله مأمورین کمیته امام تعطیل شد. به این سبب گروه برگزار کننده به همراه عده‌ای از بازدید کنندگان دست به تحصن زدند. کمیته انقلاب با اعمال زور ۳ دانشجوی برگزار کننده نمایشگاه را از محل تحصن خارج کردند. گروه برگزار کننده در مراجع به پیغام امروز توضیح داد که در یزد سه کمیته انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنند که با هم در تضاد می‌باشند. تصمیم یکی را دیگری لغو می‌کند. برگزاری نمایشگاه را یک کمیته تصویب کرد و دیگری تعطیل کرد. کار به جایی رسید که حتی از سخنرانی خانم رضائی، مادر مجاهدان شهید، نیز جلوگیری کردند.

طرح استقلال دانشگاهها
 سازمان ملی دانشگاهیان در صدد تدارک طرح استقلال دانشگاهها با حضور کلیه اساتید و صاحب نظران است. در طی تماشای سخنگوی بین سازمان گفت: «بزودی بیانیه‌ای در این مورد منتشر می‌شود و نقطه نظرهای سازمان روشن خواهد شد.» در پی اعلام این خبر رئیس دانشکده صنعتی تهران گفت: «از مدتی پیش کمیته‌ای بنام کمیته اساتید در دانشگاه تشکیل شده، وظیفه این کمیته بررسی همه جانبه با همکاری اساتید و دانشجویان در مورد استقلال دانشگاههاست و در نظر دارد تا آخر فروردین پیش نویسی را در این مورد تهیه کند. روشن است که این طرح بیشتر در مورد دانشکده‌های فنی قابل اجراست.»

آگهی حصر وراثت
 خانم بتول نجاب حقیقی
 بشناسنامه ۱۵۲۷۲ بشرح
 دادخواست کلاسه ۳۱۷ر۵۷م
 شورای داورى حوزه ۸
 توضیح داده شادروان احمد
 آمن بشناسنامه ۴۵۱ در تاریخ
 ۱۳۵۷/۹/۲۹ در تهران
 جایگاه دائمی خود فوت کرده
 وارث آن مرحوم عبارت است
 از ۱- متقاضیه عیال متوفی
 ۲- آقای محمدتقی آمن پسر
 متوفی ۳- خانم سکیته خواتون
 ۴- زهره ۵- خانم شهره
 ۶- خانم شعله آمن (دختران
 وی و وارث دیگری ندارد.
 لذا مراتب سه توبت ماهی
 یکمترتبه در روزنامه رسمی
 و محلی آگهی میشود تا
 چنانچه کسی اعتراض دارد
 یا وصیتنامه‌ای در گذشته نزد
 اشخاصی باشد ظرف سه ماه
 از نشر اولین آگهی باین
 حوزه تقدیم دارد والا گواهی
 صادر خواهد شد و هر
 وصیتنامه‌ای جز رسمی و
 سری که بعد از این موعده
 ابراز شود از درجه اعتبار
 ساقط است .
 حوزه ۸ شورای داورى تهران
 ۳۰۲ ۲۰۷۱۸ م الف

دستور دادگاه و اجازه ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی به نوبت متوالی در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران و یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز آگهی میشود که ظرف مدت سه ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی برای دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمیمات باین دفتر مراجعه و نیز جهت رسیدگی روز دو شنبه ۱۳۵۸/۷/۹ ساعت ۹ صبح در شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران حاضر شوید در غیر این صورت دادگاه غایباً رسیدگی خواهد نمود چنانچه بعداً ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت در روزنامه آگهی خواهد شد و مدت آن هم ۱۰ روز خواهد بود. ۲۱۳۹۳ م الف ۳-۲

آگهی ابلاغ نسخه ثانی دادخواست و ضمیمات جهت اطلاع آقای -یدامیر محمد دبیری بانک رفاه کارگران بمدریت آقای دکتر محمد یگانه دادخواستی به طرفیت شما بخواسته مطالبه مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال اصل خواسته و خسارت و صدور قرار تامین خواسته با مستند و فتوایی مصدق سفته‌ها و واخواستنامه و دلیل مدیریت به دادگاههای شهرستان تهران تقدیم داشته که جهت رسیدگی بشعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران ارجاع و بکلاسه ۲۶-۸۵۵/۳۶ ثبت گردیده است چون محل اقامت شما غیر معلوم اعلام گردیده علیهذا مراتب بر حسب تقاضای وکیل خواهان و

آگهی انحلال شرکت لیماسوبا مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۵۷۳۲ برابر صورتجلسه مورخ ۱۳۵۷/۹/۶ شرکت مزبور منحل گردید و آقایان حسین خواجه امیری - خالدی، مهندس هاروتیون سرحدیان و ایرج اقدامیان بست مدیران تصفیه با کلیه اختیارات و حق انشاء متفق با حق صلح و سازش انتخاب گردیدند. نشانی مدیران تصفیه و محل تصفیه خیابان کریمخان زند نیش روزولت شماره ۲/۳ تهران میباشد. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی. بحی مدنی ۲۱۱۹۴ م الف

گزارشی از اعتصاب غذای کارگران بیکار متحصن در وزارت کار:

دیگر اجازه نمی دهیم مارا بدامان امپریالیسم پیندازید



- ۲- ایجاد صندوق بیکاری .
- ۳- تهیه تسهیلات لازم برای ادامه تحصیل جوانان.
- ۴- لغو قانون کار سابق که در جهت منافع فارتگران بوده است .
- ۵- قطع هرگونه اعمال نفوذ و پارتی بازی در محیط های کار و ادارات .
- ۶- لغو امتحانات استخدامی و خواستن سابقه کار برای دیپلمه ها .
- ۷- اخراج افراد خارجی و استخدام افرادی ایرانی بجای آنها .
- ۸- بکار بردن معیار های انقلابی در اداره امور.
- ۹- تهیه مکانی مشخص برای تجمع و تمرکز افراد بیکار .

این کارگران در خرم آباد اعلام اعتصاب غذا کرده بودند .

شب سه شنبه نماینده های از طرف وزیر کار می آید و چندتن از نمایندگان کارگران برای مذاکره میروند .
سه شنبه ۲۹ و ۲۸ اردیبهشت ۵۷

عده ای از کارگران بیکار ، به کارگران متحصن و اعتصابی می پیوندند نماینده های جریان مذاکرات شب قبل را تشریح می کنند . این نماینده اعلام میکند نماینده وزیر کار با خواسته های ما موافق بود و قرار شد موارد توافق شده را پیش وزیر کار ببرد . جزئیات مذاکره را نماینده کارگران به این صورت شرح میدهد .

اولین اصلی که درباره اش حرف زدیم ، همان میزان ۹۰۰ تومان بجای ۷۵۰ تومان طرح تصویب نامه بود که همه را قبول کردند دومین اصل ۳۰۰ تومان حق همسر کارگر بیکار بود که با ایشان به توافق رسیدیم راجع به ۹۰ تومان حق اولاد هم همینطور . از همه مهمتر شرط بیمه بود . چون تعداد زیادی از کارگران و ۹۹٪ کارگران ساختمانی بیمه نیستند قانون قبلی هیچ ارزشی نداشت . گفتیم کسی که دفترچه بیمه دارد آنرا ارائه می دهد اما اگر کارگر بیکاری دفترچه نداشت ما تبصره گذاشتیم که از چند طریق ثابت کند که کارگر است ؟

۱- از طریق صنف که فکر می کنیم تا یک ما دیگر هم مسائل ما از طریق سندیکا حل شود . ۲- از طریق معتمدین محلی . ۳- کمیته های محلی . ۴- کسبه محل و ...
اما در خصوص شرط سنی ، بعد از مذاکره اول شرط سنی را کردند ۲۱ سال ما گفتیم کسانی که از ۲۱ سال کمتر سن دارند باید همان وام را بگیرند و کسانی که پائین ۲۱ سال هستند و خانواده ای را اداره می کنند طبق همان تأیید های نامبرده شده باید از مزایای آدم متاهل استفاده کنند .
در مورد زن و شوهر هم به هزار دلیل گفتیم زن کارگر حداکثر ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان می گیرد حالا گناهکار شده که شوهرش بیکار است و پولی هم به خانه شان نمی رسد ؟ تازه زن شوهر بیکار شده وقتی می بیند چون کساری کند به شوهرش وام ۹۰۰ تومانی نمی دهند او هم حقوقش زیر ۷۰۰ تومان است مگر مرض دارد کار کند ؟ پس یک نفر به بیکاران اضافه میشود . ما گفتیم باید به شوهر او وام داده شود و به اندازه مابه التفاوت حقوق زن تا وام به آنها اضافه پرداخت گردد . راجع به وام هم گفتیم ما وام بیکاری نمی خواهیم حق بیکاری می خواهیم . و این بعد صنف است که تشخیص دهد کارگری می توند باز پرداخت کند یا نه . ما خودمان خواستیم کلاس کارآموزی واقعی برای ۲۱ سال به پائین اجباری باشد چون کارفرماها از کارگران زیر ۲۱ سال بدون تخصص و حشیانه ترین سوءاستفاده ها را می کنند در مورد قرض الحسنه هم چون دولت گفت ۶۶ فروردین می توانم وام بدهم و کسانی هستند که احتیاج دارند پس می توانیم تا ۱۰۰۰ تومان وام بدهیم .

کارگران اصرار می کنند از طرف رادیو و تلویزیون جریان تحصن ، اعتصاب غذا و قول و قرارها پخش شود . آنها از وزیر کار تأیید می خواهند وزیر کار می گوید من بدون مذاکره با هیئت وزرا هیچ قراردادی نمی توانم بگذارم . سپس ساعتی به پاسخ به پرسش های کارگران می گذرد . کارگران عموماً از عدم قرار صریح ناراضی اند و خواهان امضاء وزیر هستند .

دنباله دارد

توضیح: گزارشی داشتیم از اجتماع کارگران در تاریخ ۳ اسفند سال ۱۳۵۷ در سالن وزارت کار در انتهای آن گزارش آمده بود که کارگران جنرال استیل نامه ای نوشته اند و مدعی شده اند که نمایندگان قبلی به کمیته امام رفته اند و کارت گرفته اند و اجازه گزینش نمایندگان واقعی را نمی دهند . دونفر از نمایندگان سابق جنرال استیل به ما اطلاع داده اند که چنین

پیغام امروز: صاحب امتیاز: عبدالرسول عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
ناشر: پیغام نو
خیابان ویلا - خیابان خوشبین
شماره ۶ طبقه ۲
تلفن ۸۲۰۵۹۶

موردی پیش نیامده و آنها هیچ مانعی در راه انتخابات ایجاد نکرده اند .
ما در صورت صحت نظر یاران کارگر از صمیم قلب به ما اطلاع داده اند که چنین

داشتم صدایم گرفته است و نمی توانم بجمع کارگران بیایم . مذاکره نمایندگان و وزیر نتیجه قاطعی بیار نمی آورد . وزیر کار حاضر میشود در پاره ای از مواد تجدیدنظر شود . اما در مواد اصلی و بخصوص در مورد شرط کارگران پائین ۲۱ سال و میزان وام جواب منفی می دهد . طرح قرض الحسنه ۱۰۰۰ هزار تومانی را مطرح میکنند نمایندگان کارگران نظرات وزیر کار را در مورد شرط سنی ، شرط بیمه ، شرط معرفی پیمانکار ، و میزان وام برای کارگران باز می گویند . کارگران بروی خواسته های شان پافشاری می کنند . شکرریز می گوید کارگران را به قبول ۱۰۰۰ تومان بکشاند و بعهده ای جمع راترک میکند . ساعت ۱۰ شب کارگران اعلام اعتصاب غذا می کنند .

دوشنبه ۲۸ و ۲۷ اردیبهشت ۵۷
از صبح زود کارگران بیدارند . نماینده کارگران اعلام می کند ما دیگر با وزیر یا هیچ نماینده ای مذاکره نمی کنیم . آنها باید میان ما بایند و حرفشان را بزنند کارگرانی که پشت در وزارت کار جمع شده اند اجازه ورود به داخل سالن نمی یابند کارگران معتقدند که از تماس و همبستگی ما کارگران واهمه دارند . نماینده کارگران از کارگرانی که پشت در مانده اند می خواهد در بیرون هم می توانند به مبارزه ادامه دهند و خبر تحصن را به گوش همه برسانند .

کارگرانی که با کارگران اعتصابی اعلام همبستگی کردند

- ۱- کارگران اکیاتان .
- ۲- شورای موسس اتحادیه سراسری ایران .
- ۳- کارگری از طرف کارگران کرد مقیم تهران .
- ۴- کارگران کتابفروشی تهران .
- ۵- کارگران بیکار خرم آباد .
- ۶- کارگران کلاچ .

کارگران در مورد عمل شکرریز اظهار نظر می کنند . آنان همه معتقدند که ورود شکرریز احتمالاً یک توطئه بوده است او حتما مامور بوده که بیاید و بین ما مذاکره و بیاندازد و ما را به قبول ۱۰۰۰ تومان وادارد تا از طرح پیشنهادی چشم پوشیم . کارگران اکیاتان - اداره کاریابی شماره ۱ شدیداً نماینده سازشکار را مورد انتقاد قرار می دهند . شکرریز پیغام می دهد که در محل اداره کاریابی شماره ۱ پول تقسیم می کنند اما کارگران متحصن اکیاتان حاضر به ترک محل تحصن نمی شوند .

نماینده کارگران می گوید : «باید یک خیلی ماخواستند بیایند ما را جدا کنند چون ما خصلت کارگری داشتیم جدا نشدیم و هرچقدر ما بیشتر بهم نزدیک شویم دشمن بیشتر می ترسد» .

کارگران بارها تأکید می کنند که مسئله آنان مسئله پول نیست آنان در قبال میلیونها کارگر و خانواده گرسنه آنها مسئول هستند . تنها تصویب طرح پیشنهادی آنان فعلاً قادر به حل مشکل آنهاست .

کارگری میگوید: در این وزارتخانه ، خانه کارفرماست . چون به خواسته های ما رسیدگی نمی کند . تنها از طریق شورا و سندیکا است که ما می توانیم این خانه را در اختیار بگیریم . کارگری بافنده می پرسد اگر کارگرانی نخواهند مثل گذشته زندگی کنند . مثل گذشته استثمار شود ، در کارخانه اهانت بشوند آیا ضد انقلابی است ؟ کارگر چاپخانه ای میگوید : برنامه ای که وزیر کار بدون مشورت ما کارگران ارائه دهد محکوم است ! .

یک روحانی می آید پیشنهاد میکند به هر نفر از صندوق قرض الحسنه بازار ۱۰۰۰ تومان پرداخت گردد . کارگران میگویند اولاً اگر قرار است پول پرداخت شود این پول باید از طرف یک مقام رسمی وزارت کار پرداخت گردد و ثانیاً ما از اول اعلام کردیم که حق بیکاری می خواهیم . تازه نه برای خود . منظور ما گرفتن حق ۱۵ میلیون نفر کارگر و خانواده اوست ... هیچ شرط و شرطی هم قابل قبول نیست ما اعتصاب خود را نمی شکنیم مگر آنکه شرط و شروط قطع شود . همه این کارگران یک عمر به بختی کشیده اند . ۱۵ سال ، ۲۰ سال ، ۳۰ سال زحمت کشیده اند ، در کارگاهها جان کنده اند ، حالاً به بیمه دارند و نه دستشان به جایی بند است . ما صدقه نمی خواهیم . ما کارگریم با کارگر نباید شوخی کرد . شما به ساواکی و به آن کسانی که خون ملت را مکیده و در شیشه کرده اند حقوق و مزایا و دفترچه بیمه می دهید اما به کارگران نمی دهید ؟

همین روز - دوشنبه دونفر که خود را از کانون مهندسين مسلمان معرفی می کنند ، کارگران را به شکستن اعتصاب دعوت می کنند عکس العمل کارگران در برابر آنان بسیار شدید است . اعلامیه همبستگی کارگران کتابفروشی خوانده میشود . همچنین خبری در مورد ابراز پشتیبانی کارگران بیکار خرم آباد خواسته های این کارگران به ترتیب زیر اعلام میگردد .

۱- مهیا نمودن اشتغال کافی برای بیکار شدگان .

یک روحانی : صبر کنید .
خاقانی مشاور وزیر : گذشته نباید تکرار شود آمریکا هر لحظه ممکن است کودتا کند .
یک کارگر : در ۲۸ مراد سازشکاری سرمایه داران بود که نگذاشت کارها یکسره شود .
وزیر : من نمی توانم زیر طرح پیشنهادی را امضاء کنم .

یک کارگر : این وزارتخانه ، خانه کارفرماست .
نماینده کارگران : ماهیچ شرط و شروطی را نمی پذیریم .
کارگران : ما خواهان امضاء وزیر هستیم .

در آخرین روز های سال گذشته کارگران فصلی ، تأسیساتی و بیخار در وزارت کشور بست نشستند . تحصن کارگران که برای تصویب طرح پیشنهادی آنان برای وام صندوق بیکاری بود بعلت رسیدگی نشدن تبدیل به اعتصاب غذا شد . اعتصاب غذای کارگران چهار روز ادامه یافت . و در بعد از ظهر اول فروردین با قول وزیر در مبنی بر اینکه طرح رابه هیئت وزرا خواهد برد پایان گرفت .

قبل از تعطیلات سال نو تنها توانستیم ، یک گزارش مفصل از جریان اعتصاب کارگران منتشر کنیم . در شماره گذشته قول دادیم که گزارش دیگری از این اعتصاب پر شور و پراهمیت کارگران به چاپ خواهیم داد . و اکنون این گزارش پیش روی شماست . با مروری کوتاه به جریاناتی که قبلاً شرح رفت و با گزارشی مفصل تر از جریانات پس از آن . این گزارش را مابه عنوان هدیه سال نوبه تمام کارگران مبارز پیشکش می کنیم .

۱۰۰

یکشنبه ۲۷ اسفند ۵۷

در پی کردهایی کارگران در تاریخ شنبه ۲۶ اسفند ۵۷ در سازمان کارگران و حضور نیافتن نماینده وزیر کار برای پاسخ به طرح صندوق وام بیکاری ، کارگران تصمیم میگیرند صبح روز یکشنبه در وزارت کار جمع شوند . کارگران ایتدار وزارت کار تجمع می کنند ، صدوقی و یک روحانی به جمع کارگران می آیند . کارگران به بسته بودن در سالن سخنرانی اعتراض میکنند . با اصرار آنها در سالن باز میشود . ناصر در خصوص ۱۲ ماده اعتراضی کارگران از طرح وزارت کار سخنرانی می نماید و شرط و شروط طرح وزارت کار را زائد می خواند . و یک به یک شروط تصویب نامه را رد می کند . کارگر دیگری بنام اسد می گوید که ما در اصل کاری خواهیم مابدون کار اصلاً وجود نداریم و اگر راضی شده ایم که پولی بگیریم بخاطر اوضاع است ، فاضل پور نماینده وزارت کار می گوید دولت موقت انقلابی وارث بدبختی هائی است که از دولت گذشته مانده است ... بنیاد اجتماعی در هم ریخته است . حرفهای شما درست و مورد قبول است ولی دولت موقت عاجز است . بعد از فراندوم به همه حرفهای شما توجه خواهد شد .

یک روحانی کارگران رابه صبر می خواند و به کارگران میگوید مقدار قرضه بدهید ... نگذارید ضد انقلاب در میان شما رخنه کند ، یکی از کارگران فریاد می کشد . پس تمام گرسنه ها ضد انقلابند !!! کارگر دیگری می گوید به ما می گویند اقتصاد ورشکسته است و در عین حال به صاحبان صنایع ۵ میلیارد ریال وام می دهند . اگر دولت پول ندارد این ۵ میلیارد را از کجا آورده آیا ما واجب تریم یا آن صاحب صنایع تازه اگر هم اعتراض کنیم به ما میگویند ضد انقلاب !!!
بحث بالا میگیرد و کارگران بیکار از شرکت های مختلف درباره وضع خود حرف میزنند . نمایندگان وزیر سالن راترک می کنند ، کارگران اعلام تحصن می نمایند . تا ساعت ۸ شب بحث و گفتگو ادامه می یابد .

کارگران اکیاتان که صبح از سالن خارج شده بودند به سالن برمیگردند خاقانی مشاور وزیر و فاضل پور به سالن می آیند . خاقانی به کارگران می گوید سعی کنید که اشتباه نکنید ما و شمار در روی هم نباید بایستیم . گذشته نباید تکرار شود . آمریکا هر لحظه ممکن است کودتا کند .

نماینده کارگران در مخالفت با خاقانی حرف میزند . دو نماینده از اداره کاریابی شماره یک که در اکیاتان کار میکنند بنام شکرریز و آزاد پشت میکروفون قرار میگیرند و با کارگران متحصن اظهار همبستگی می کنند . و جواب قاطع می خواهند فاضل پور می گوید جواب قاطع توی جیبم نیست . او هم چنین مسئله ۲۸ مرداد را پیش می کشد . یکی از کارگران که در جریان مبارزات اخیر تیربه دستش خورده بود اجازه صحبت میگیرد . او میگوید این طبقه کارگر نبود که ۲۸ مرداد را بوجود آورد طبقه کارگر قد علم کرد و همه شاهد بودیم و هستیم که سازشکاری سرمایه داران بود که نگذاشت کارها یکسره شود . ولی ما دیگر اجازه نمی دهیم سازشکاری کنید و ما را دوباره بدامان امپریالیسم بیاندازد من نه از آمریکا می ترسم و نه از هیچ کشور دیگر . شکرریز می خواهد نمایندگان پیش وزیر کار بروند و با ایشان صحبت کنند . نمایندگان نزد وزیر میروند - ما شرح این مذاکره را منتشر کردیم - وزیر می گوید من در اسفهان سخنرانی

قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان:

ارتش نباید آلت دست امپریالیست ها و ارتجاع داخلی باشد. دولت با عنوان کردن موضوع تجزیه طلبی کردها ماهیت انقلابی خود را نفی کرد. هیچ قشری گروهی حق انحصاری استفاده از دستاورد های انقلاب را ندارد.

شکل مبارزه را همیشه هیات حاکمه تحمیل میکنند. تحریکات عوامل شناخته شده، کردها را به جنگی ناخواسته کشاند. نظامیان دست به کشتاری سابقه ای در سنندج زدند. آنان خلق مبارز کرد را با برچسب ضد انقلابی از زمین و هوا به گلوله بستند. صدها شهید و بیش از هزار مجروح هدی سال نوارش ملی اسلامی به مردم مبارز کردستان بود.

به همین بهانه خبرنگار پیغام امروز با دکتر قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان در مهاباد به گفتگو نشست و این حاصل آن گفتگوست.

س- آقای قاسملو، مردم کردستان در سوک عزیزان شهید چند روزه اخیر سنندج به عزا نشسته اند. درباره حوادث سنندج توضیحی دارید؟

ج- حوادث چند روز گذشته یار دیگر چهره کشید ارتش ضد خلقی شاه را که اینک بانام ارتش ملی کار میکند نشان داد. نیروهای ضد انقلابی که در پادگان سنندج خود را پنهان ساخته اند یا به لباس انقلابی نمایان درآمده اند، کشتار بزرگی راه انداختند. هفت هلی کوپتر مردم را از هوا به گلوله بستند، خمپاره اندازهای مزدوران پادگان سنندج خانه های مردم را ویران کردند.

واقعیت اینست که از مدت ها پیش در شهرها و مناطق مختلف کردستان دست به توطئه وسیعی علیه خلق کرد زده شده است. از پادگان جلدیان گرفته تا پادگان سنندج مرتباً نقل و انتقالاتی در کار است. اسلحه و آذوقه بطور مداوم از کردستان خارج میشود مثل اینکه بعضی ها کردستان را بخشی از ایران نمی دانند رویدادهای سنندج نتیجه اقدامات این عناصر ضد انقلابی است. کار بجائی رسیده است که برای کشتار مردم از هلی کوپتر و فانتوم استفاده میشود کاریکه حتی رژیم شاه هم جرات آنرا بخود نداد. همین افراد حداکثر کوشش را برای شوش ساختن افکار عمومی، دولت و امام بکار بردند طوری که اعلامیه ستاد ارتش درباره حوادث سنندج ما را بیاد اعلامیه های ستاد ارتش شاهنشاهی می اندازد.

سنندج حمام خون

س- علل بروز حوادث سنندج چه بوده است؟ ج- در کردستان و سایر نقاط کشور از مدت ها پیش برای تفرقه اندازی در صفوف خلق کرد و سایر مبارزین تبلیغات وسیعی از سوی مرتجعان آلت دست امپریالیست ها آغاز شده است. سرانجام چند روز پیش برای تحریک هر چه بیشتر خلق کرد، موجودی سیلو های گندم سنندج را بجای نامعلومی بردند و هنگامی که شاهدان اعتراض کردند از طرف مأموران کمیته امام بسوی آنان تیراندازی شد. مردم که از جریان آگاه شده بودند به طرف کمیته رفتند در این موقع ارتش از راه زمین و هوا مردم را به گلوله بست آنان حتی آمبولانس حامل مجروحین را به گلوله بستند و بدین ترتیب سنندج به حمام خون تبدیل شد تا آنجا که ما اطلاع داریم تاکنون ۳۵۰ نفر کشته و بیش از هزار تن مجروح شده اند.

س- رابطه ارتش را با کردستان چگونه توجیه میکنید؟ ج- اگر منظورتان زمان شاه است که باید بگویم در کردستان بجای اجرای طرح های عمران و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی فقط پادگان های پراز سرباز و اسلحه ایجاد کرده اند. اگر نظرتان زمان کنونی است که نوع رابطه شان را در این چندروز مشاهده کردید.

تصفیه ارتش از عوامل مزدور

س- در مورد تجدید سازمان ارتش نظرتان چیست؟ ج- ظاهراً تجدید سازمان ارتش تا حال حاضر فقط در تغییر نام ارتش شاهنشاهی به ارتش ملی خلاصه شده است بعقیده من باید ارتش خلقی شود. باید از عناصر ارتجاعی و مزدور تصفیه شود. بعلاوه ارتش به پیچوجو حق دخالت در مسائل داخلی مملکت رانداشته باشد. برای پیشگیری باید پادگان ها به خارج شهر برده شوند. ارتش نباید آلت دست امپریالیسم و عمال داخلی آنها باشد. وظیفه ارتش صرفاً دفاع از مرزهای مملکت است سئوالی که در این جا باید از دولت انقلابی پرسید اینست ارتشی که سال ها تحت نظارت مستقیم مستشاران امریکائی بوده و هر سال صدها افسر دست پرورده امریکا وارد ارتش میشوند چه طور شد که با دستگیری ۵۰-۶۰ افسر ملی گشت باید نظام ارتش عوض شود نه نام آن. ارتش کنونی ارتش امریکائی است. ارتش شاه است.

س- نقطه نظر هایتان را در مورد کردستان بگویید. ج- بارها اعلام کرده ایم ما خواهان خودمختاری کردستان در چهارچوب ایران دمکراتیک هستیم مامی خواه در اداره امور داخلی مستقل شویم و فقط در سیاست خارجی و دفاع از تمامیت ارضی حکومت مرکزی برای ما تصمیم بگیرد. مردم کردستان مثل سایر جاها در انقلاب شرکت کردند شهید دادند. حال خواست حقوق فدراتیو خواست کاملاً عادلانه است که در چهارچوب کشور ایران می تواند پیاده

در فاجعه سنندج ۳۵۰ نفر کشته و بیش از هزار تن مجروح شدند

هرد ما انقلاب ایران را متعلق به همه گروهها می دانیم و اعلام می کنیم که هیچ قشری یا گروهی حق انحصاری استفاده کردن در دستاورد های انقلاب را ندارد. متأسفانه در این یکماه معلوم شده است که عده ای میخواهند انقلاب را در راه بحسوسی نه مورد علاقه آنان است بکشاند و در همین زمینه است که تاکنون کوچکترین توجیهی هم به خواست قانونی خلق کرد نشده است. ماحل مسائل ملی و تامین حقوق کردها را جزئی از مساله عمومی مبارزه خلق های ایران در راه دمکراسی میدانیم و اصولاً وجود دمکراسی را در سراسر ایران ضامن خودمختاری برای کردستان می شماریم. متأسفانه دولت کمترین توجیهی به خواست ما نکرده و عملاً در بسیاری موارد برای خردها تبعیض قائل شده اند برای نمونه در شهر رصیدیه عده زیادی کرد زندگی میکنند. اینها حتی یک نماینده هم در شورای انقلاب آن شهر ندارند و حتی یک نماینده از طرف این عده در پادگان رضائیه وجود ندارد در صورتی که در سنندج حقوق اقلیت شیعه همیشه محفوظ بوده است.

بعنوان یک حزب با شمار دمکراسی برای ایران، نه با تعارف و نه با تاکتیک خیال جدائی از ایران را نداریم این فکر ساخته رژیم گذشته و ارتجاع کنونی و امپریالیست هاست.

جلوگیری از نفوذ امپریالیست ها

س- مساله برخورد با منافع امپریالیست ها را چگونه حل خواهید کرد؟ ج- امپریالیست ها تا بحال مخالف بوجود آمدن کردستان آزاد بودند و هستند. آنان با همین هدف خودمختاری کردها هم مخالفند. واضح است که اگر حقوق ملی خلق کرد تامین شود آنوقت یک اتحاد واقعی بین تمام نیرو های دمکراتیک مملکت بوجود خواهد آمد و در برابر امپریالیست ها خواهد ایستاد برای جلوگیری از نفوذ گسترده امپریالیست ها، دولت انقلابی باید آزادی های دمکراتیک را برای همه تامین کند و از طرف دیگر هرگونه ستم فرهنگی و اقتصادی را رفع نماید. س- اگر حکومت یا رژیمی که روی کار می آید حاضر به قبول درخواست های شما نشود عکس العمل کردها چه خواهد بود؟

ج- ما خیلی امیدوار هستیم شرایطی پیش نیاید که مجبور به تغییر شکل مبارزه شویم. شکل مبارزه را همیشه هیات حاکمه است که تحمیل میکند اگر نیرو های ارتجاعی که هنوز در ارتش هستند و یا در پست های دیگر مانده اند بروی مردم اسلحه بکشند اجباراً مردم نیز دفاع خواهند کرد ولی ما امیدواریم دولت انقلابی از یک چنین برخوردی جلوگیری کند.

س- در روز پیش یک کرد بضرپ گلوله افراد کمیته امام رضائیه بقتل رسید. روز گذشته جسد یک استاد دانشگاه که او هم از مبارزان کرد بود در منزلش در همان شهر کشف شد. در این موارد چه توضیحی دارید؟

ج- دکتر احمدزاده استاد دانشگاه رضائیه که از سره های اصلی مبارزه اخیر کردها بود بدست افراد نامعلومی به شهادت رسید آن کرد دیگر بگفته کمیته امام در رضائیه به ایست مأموران توجه نکرده، به بضرپ گلوله از پای درآمده است. ما در شرایط حاضر نمی توانیم نظر قاطع در این مورد بدیم و مشغول تحقیق در این زمینه هستیم. حدس می زنیم عناصر ارتجاعی که در کمیته هستند در این کشتارها دست داشته اند.

س- گفته شده است که کردها در مبارزات اخیر خود از عراق، یا از کرد های عراق اسلحه دریافت کرده اند. و حتی جلال طالبانی برای مشاوره چند روزی به سردشت آمده بود. نظرتان راجع به این حرف ها چیست؟

ج- من فقط می گویم دولت انقلابی که اکنون بر سر کار است با این گفته ماهیت و سرشت انقلابی خودش را نفی کرده است.

تا آنجا تکیه مربوط بهما است، جنبش سراسری ایران را متفق بزرگ خود می دانیم و در این خود را تنها حس نمی کنیم مابه هیچ نیروی خارجی تکیه نداریم تکیه گاه ما فقط خلق های مبارز ایران است.

س- آیا رابطه ای بین کردهای ایران - عراق و ترکیه و حتی شوروی وجود دارد؟ آیا به آن روزی فکر می کنید که کردهای سراسر منطقه در زیر یک پرچم گرد آیند؟ ج- تاکنون رابطه ای به آن صورت نداشته ایم فقط ما از مبارزه آنان تأیید عاطفی کرده ایم در جواب قسمت دوم باید بگویم که این مربوط به آینده کردستان است و شاید در چهارچوب یک فدراسیون بزرگ در خاور میانه مطرح شود. شاید.

شد بیانک بیمه ایران بپردازد
ضمناً نیم عشر دولتی هم بعهده
محکم علیه (آقای محمود مقیمی
اسکوئی) میباشد چنانچه از
تاریخ نشر این آگهی ظرف ده
روز با رعایت مقررات جهت
پرداخت مبالغ فوق الذکر باین
اجرا مراجعه ننمائید طبق مقررات
اقدام خواهد شد. ۶۱ م الف
رئیس اجرای شعبه ششم دادگاه
استان تهران - غلیلیان

برای ثبت در تاریخ

پیام وزیر کشور به سرلشکر قره نی: دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود. پاسخ ژنرال قره نی به وزیر کشور: در مقابل تعدادی مأمور اجنبی تسلیم نخواهم شد. پیام تلگراف وسیله بی سیم شیر و خورشید سنندج از طرف احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور از شهر سنندج به تیمسار قره نی رئیس ستاد ارتش ملی ایران: «پرواز جت با برقراری سنندج موجب عصبانیت مردم و قطع مذاکرات باشد. چه کسی دستور چنین مانورهایی داده است از طرف پادگان به سوی مردم تیراندازی می کنند. و کشتار شدید می کنند. دستور دهید فوراً تیراندازی قطع شود و دیگر نه روز، نه شب تیراندازی نکنند و شعله افکن شبها نیاندازید.» پاسخ ژنرال قره نی ۱۳۵۸/۱/۲۲ جناب آقای وزیر کشور: «تا موقعیکه اینجانب از طرف رئیس ستاد کل ارتش اسلامی سرلشکر قره نی نقل شده از «کار» نشریه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شماره سوم فروردین ۵۸»

کمیته بناب، خبرنگاران را به گناه اعلامیه مضره بازداشت کرد

روزیکشبه ۵ فروردین ماه خبرنگاران پیغام امروز هنگام عبور از بناب وسیله عده ای مسلح بنام اعضای کمیته انقلاب در بناب بازداشت شدند. گروه خبرنگاران پیغام امروز که از کردستان عازم تهران بودند هنگام عبور از بناب به تیریز توسط عده ای مسلح متوقف شدند و کلیه وسائل شخصی آنان مورد بازرسی قرار گرفت از آنجا که این عمل با خشونت و توهین توأم بوده مورد اعتراض خبرنگاران واقع شد افراد مسلح اظهار داشتند که آنان بدنبال کشف توطئه محمی هستند که از طرف «سنی» ها؟! طراحی شده است و بنا بر این دستور داده اند کلیه افرادی که در جاده مهاباد و تیریز در حرکتند باید به شدت مورد بازرسی قرار گیرند. هنگام بررسی و «تفتیش» وسائل و یادداشتهای خبرنگاران چند اعلامیه از «سازمان چریکهای فدائی خلق» و حضرت آیت اله حسینی که به رنگ سرخ چاپ شده بود نظر رئیس گروه مسلح را جلب کرد و با خوشحالی خبر یافتن مدارک طرح توطئه «سنی ها» را بدیگران داد. رفتار او مورد اعتراض خبرنگاران پیغام امروز قرار گرفت. از آنجا که رئیس گروه مسلح سواد خواندن نداشت از دیگران میخواست اعلامیه ها را برایش بخوانند. اعلامیه ها خوانده شد و خبرنگاران پیغام امروز همراه اعلامیه ها به کمیته انقلاب اعزام و بازداشت شدند. در کمیته انقلاب یک روحانی که ظاهراً خود را مسئول معرفی میکرد از اقدام افراد مسلح دفاع و اعلامیه ها و مدارک را ضبط کرد. یکی از خبرنگاران تذکره داد بی در نظر گرفتن عمل ناموجه و ضد انقلابی افراد مسلح، حرفه روزنامه نگاران ایجاد میکنند هرگونه اعلامیه داشته باشند و کمیته حق توقیف افراد اعلامیه رانندارند. اما کمیته بی اعتنا چند اعلامیه را رد کرد و بقیه را نگاه داشت. وبه خبرنگاران هم به شدت اخطار کردند که دیگر اعلامیه های «مضر» همراه نداشته باشند.

پیرو آگهی های منتشره در روزنامه بورس و روزنامه کشور با اطلاع آقای حسنعلی تسلی بخش مجهول المکان میرساند دادگاه بدعوی بانک بازرگانی ایران بطرفیت شما وغیره بشرح پرونده شماره ۶۵۱/۳۶ رسیدگی نموده متضامناً حکم بر علیه شما بپرداخت مبلغ ۱۱۷۰۰۰ ریال و ۲۱۴۵۲ ریال خسارت دادرسی وخسارت تاخیر از تاریخ صدور حکم تا زمان وصول بقراری ۱۲٪ صادر نموده دادنامه مزبور ظرف ده روز قابل شکایت پژوهشی

در دادگاه استان مرکز میباشد مراتب یک تویت در روزنامه آگهی میشود که از حق قانونی استفاده نماید و در صورت قطعیت دادنامه و صدور برك اجرائیه فقط یک تویت در روزنامه درج و پس از ده روز بموقع اجراء گذارده خواهد شد بنا بر این برای انجام عملیات اجرائی دیگر هیچ قسم اخطاری نمیشود مگر آنکه آقای حسنعلی تسلی بخش اقامتگاه خود را کتبا اطلاع دهد. مدیر دفتر شعبه ۷۹ دادگاه شهرستان تهران عطوفیان ۶۰ م الف

بذر خون:

آنچه در گرگان و دشت می گذرد

آیا انقلاب می تواند ، ضد انقلاب باشد ؟ آیا هدفهای انقلابی ، در آن واحد می تواند تغییر ماهیت دهد و به هدف های غیر انقلابی ، و ضد انقلابی تبدیل شود ؟

حوادث خونین سنندج ، که اکنون در قالبی تازه ، تکرار آنها در گرگان می خوانید ، چنین سؤالی را برای ما ، و برای تمام مردم این سرزمین پیش آورده است . اگر رژیم منحل سلطنتی مورد نفرت مردم بود و در جهت سرکوب و انهدام آن ، تمام طبقات مردم ، هم صدا شدند ، بغاوت خصلت تجاوزکار و استیلاگر این رژیم بود ، و آنچه همه انتظار داشتند ، تنها آوارگی مظهر رژیم ، نبود ، بلکه مردم می خواستند ریشه های استثمارگری رژیم را بخشکانند . و یکی از نظایر این استثمارگری دست اندازیهای قدرتمندانه رژیم ، براموال عمومی و تصرف زمین های کشاورزان ، در مناطقی نظیر گرگان است .

رژیم استبدادی منحل ، زیر سرپوش اصلاحات ارضی ، ویلی کردن منابع طبیعی ، روی ثروت منحصر بفرد - دهقانان دست گذاشته بود ، و عمالش ، در دوران رستاخیز و در دوران اصلاحات ارضی روی ماموران املاک اختصاصی بنیان گذار رژیم ستگر پهلوی را سفید می ساختند . آنچه سرلشکر مزین ، بنام نماینده اعزامی شاه ، طی سالها در گرگان از انواع ریخت و پاش انجام داد ، شاید در سراسر دوران سرکوب مردم زحمتکش گرگان و دشت ، وسیله رضاخان انجام نگرفته بود .

انقلاب ، بنا بر ماهیت ضد سلطنت و ضد استثمارگری های سلطنت ، و بنا بر شعار رهبر روحانی انقلاب ، که مملکت با کفر باقی میماند ولی با ستم باقی نمیماند ، باید از لحظه پیروزی به حمایت ستم زدگان گرگان و دشت یا کردستان ، و سایر استانها و شهرستانها برمی خاست و آثار ستم را ازین سرزمین ها می سترد ، و بهانه توجیه ستم را زیر پا می افکند ، اما دیدیم که جای اجرای شعارهای انقلابی ، عوامل مسلط بر - حکومت انقلابی ، ناگهان ذوق شعارهای تسلط جویانه مذهبی پیدا کردند ، و ایفای عهد انقلابی را بدست فراموشی سپردند ، و اینجا و آنجا جنک شیعه و سنی بر پا ساختند . در حالی که هم شیعه و هم سنی مسلمانند ، و رژیم ستگر منحل ، و حامی اجنبی آن ، بی اعتنا به مذهب و معتقدات آنها ، و هر گروه دیگری ، همه را زیر چکمه تجاوز و استثمارگری له کرده بود .

ایا آنهمه وعده انقلابی چه شد ؟ و آیا قرار بود از آغاز رهاننده گوسفند ، گرگ او باشد ؟

آنچه در گرگان و دشت می گذرد ، و آنچه در کردستان گذشته است و باز خواهد گذشت ، ماهیت ضد انقلابی دارد ، و کسانی که باید پاسدار انقلاب باشند ، کلیه به خدمت ضد انقلاب درآمده اند ، تنها چیزی که عوض نشده عروسکهای جلو صحنه هستند ، و پاسدار انقلاب دارد با افشاندن بذر خون ، و دامن زدن به تعصبات مذهبی و جنایات و جنگهای مذهبی ، اینجا و آنجا به همان ارباب و عنصر اصلی و طبقاتی خدمت می کند که سابق ماموران ساواک ، ژاندارمری و شهرپاتی می کردند . این قریانیان ، مردم ایرانند ، مردم گرگان از مردم سایر شهر ها و استانهای ایران جدا نیستند و ستمی که به آنها میرود ستمی به تمام زحمتکشان و محرومان و ستم زدگان این سرزمین وسیع است .

تجدید آگهی مزایده

شرکت سهامی خدمات جنگلها و مراتع شعبه نوشهر در نظر دارد مقداری کهزارتن ذغال جوب موجود در ۳ کیلومتری نوشهر (ایستگاه طرح ماشک) را با شرایط زیر بفروش برساند .
۱- بهاء ۵٪ کل ذغال بایستی بعنوان سپرده بحساب ۱۱۷۸۲ بانک ملی چالوس واریز گردد .
۲- بهاء ذغال بتدریج وصول و تحویل میشود و سپرده تاخاتمه دریافت بهاء مسترد نخواهد شد .
۳- مدت تحویل ذغال ۳۰ روز از تاریخ قرارداد خواهد بود
۴- پیشنهاد دهندگان بایستی بهاء هر تن ذغال را مرقوم و پیش سپرده را همراه درخواست تا ساعت ۱۱ روز ۵۸/۱/۲۶ به دفتر شعبه واقع در چالوس - خیابان خزر و تسلیم و رسید دریافت دارند .
کمیسیون ساعت ۱۲ تشکیل و حضور پیشنهاد دهندگان آزاد است .
م. الف

مدیر شعبه نوشهر - بصیری

نامه چریکها به آیت اله طالقانی

سازمان چریکهای فدائی خلق در نامه ای به آیت اله طالقانی ، پشتیبانی ایشان از طرح پیشنهادی «شورای موقت انقلاب سنندج» را راهگشای حل دشواری های مردم کردستان دانست .

در این نامه آمد ، است : شما با تماس مستقیم با مردم داغ دیده سنندج و با مجروحان حوادث کردستان ، ریشه دردهای خلق کرد و علل حوادث ناگوار اخیر را باز شناختید و در گفتگو با مردم اذعان داشتید که نفاق - افکنی میان مردم و سرکوب مردم توطئه ایست که از جانب امپریالیسم و عوامل مرتجع آن طرح ریزی شده است .

ما امیدواریم حسن نیت شما سرمستی برای آنها نباشد که نمی خواهند و یا اگر خوش ببنانه بگوئیم ، نمی توانند بر خوردی راهگشایانه با مشکل خلقها و به ویژه خلق کرد داشته باشند .

ما امیدواریم در راه اجرای پیشنهادهای منطقی شما هیچگونه کارشکنی از طرف کسانی که با سپردن کار خلقها به خودشان و ایجاد زمینه خودمختاری خلقها - که حق مسلم آنهاست - منافعشان در خطر می افتد ، صورت نگیرد .

تأیید موضع آیت اله طالقانی در مورد کردستان

هیأت تدارکات جبهه دمکراتیک ملی ایران در ساری در تلگرافی به آیت اله طالقانی اقدامات ایشان را در جهت احقاق حقوق خلق کرد تأیید کرد .

متن تلگرام چنین است : پدر بزرگوار و مبارز حضرت آیت اله طالقانی :

کوشش شما در احقاق حقوق خلق کرد و برخورد آگاهانه آن پدر را با مبارزات بر حق خلقهای اران ، برای حل شرافتمندانه مشکل تأیید و با امید ایرانی آزاد از هر گونه استعمار و استثمار و استبداد برای شما آرزوی موفقیت می کنیم .

من در رفرا اندم

بقیه از صفحه ۱
ضمن تأیید اهداف انقلاب راستین ملت شریف ایران و اعتقاد راسخ به مبانی و اصول اساسی اسلام ، چون هنوز محتوای جمهوری اسلامی مبهم و نا معلوم است و بسویژه از نظر حق تعیین سرنوشت و مسئله خودمختاری کردستان در چهارچوب ایران آزاد و حقوق حقه سایر خلقها نامشخص می باشد ، بنابر این تا زمانی که رسماً جواب قطعی در این مورد از طرف دولت شورای انقلاب اسلامی ایران اعلام نگردد شخصاً از شرکت در رفرا اندوم خودداری نموده و مردم نیز با توجه به مسئولیت های ملی و مذهبی خود آزاد و مختارند .

بدنبال تظاهرات

بقیه از صفحه ۱
و شگبیر تشکیل شد تیراندازی هائی صورت گرفت که ۷ کشته و ۲۴ زخمی برجای گذاشت .

دیروز در گنبد شایع بود که پاسگاههای مرزی «واشلی برون» بوسیله افراد مسلح ترکمن خلق سلاح شده است . در همین حال یکی از روحانیان گنبد کاووس خواستار اعزام هیاتی از تهران به گنبد برای اقدام جهت ترک مناصب بین گروههای درگیر شد .

یک گزارش تلفنی : تا ظهر دیروز در گنبد ۲۲ جسد پیدا شده و در خیابانها پندرت رفت و آمدی صورت می گیرد . صدای تیراندازی به گوش می رسد .

گزارش رادیو لندن

گزارشهای رسیده از گنبد کاووس نزدیک مرز ایران و شوروی حاکی است زدو خورد گروههای مخالف مذهبی تلفات سنگینی داده است . جنگ دیروز بعد از تظاهرات ۲۰ هزار نفری اقلیت ترکمن آغاز شد . ترکمنها بلافاصله شروع به اشغال زمینهای غصب شده نمودند . تظاهرات ترکمنها با شلیک تیر از طرف اعضای کمیته خمینی و واحدهای ارتش ایران روبرو شد . در لحظات اولیه ۶ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند ، جنگ از آن لحظه تاکنون ادامه دارد . مدارس و کلیه منازل هابسته شد . تلفنی از گنبد خبر داده اند که در خیابانها عبور و مرور نیست و هر جنبه های در خیابان به گلوله بسته میشود . دیدم که پسر بچه خردسالی که سیگار می فروخت بگلوله بسته شد و درجا جان داد . ناراضیست ترکمنها که از زمان سلطنت شاه آغاز شد . ادامه دارد .

زده خوردهای دیگری از بندر شاه و دیگر شهرها گزارش شده و گفته میشود سی نفر کشته شده اند .

گزارش چریکهای فدایی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وقایع اخیر گنبد را چنین گزارش می دهد : روز یکشنبه ۵ فروردین یکی از مامورین کمیته امام گنبد ، یک روستایی ترکمن را به جرم فروش سیگار قاچاق بازداشت می کند . چند رهگذر به عمل او اعتراض می کنند . مامور کمیته اسلحه می کشد و سیگار فروش فراری می شود . بدتبالی این واقعه در کشمکش های بعدی که بین مردم و ماموران کمیته پیش می آید ، جوانی به نام آراز در پیور کشته و شخصی دیگری مجروح می شود . مقتول رابه شیرو - خورشید می برند . مردم برای گرفتن جسد به شیر و خورشید مراجعه می کنند ، ولی کمیته برای جلوگیری از تظاهرات و زدو خورد از تحویل دادن جسد خودداری می کند .

روز دوشنبه صبح روز دوشنبه ۶ فروردین جمعیتی ۷ الی ۸ هزار نفری به طرف شیرو - خورشید می روند و جسد را به زور تحویل می گیرند و با تشییع و راه پیمایی آرام به بندر ترکمن می برند ، و

خواستار مجازات عاملین این قتل می شوند .

بعد از ظهر دوشنبه تا بعد از ظهر سه شنبه ۷ فروردین : بنابه دعوت قبلی کانون مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ، حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر به منظور اعلام نظر نسبت به فرآیندوم و اعتراض به کشتار مردم سنندج ، در باغ ملی گنبد اجتماع کردند . میتینگ در شرایطی برگزار می شد که نیروهای تازه وارد ارتش تمام راههای ورودی شهر را بسته و کسی را بی اجازه به شهر راه نمی دادند . سخنرانی در ساعت ۲ بعد از ظهر شروع و پیام های کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن و سازمان چریکهای فدایی خلق خوانده شد . سپس طبق برنامه قرار بود پیام نمایندگان روستاهای مختلف ترکمن صحرا قرائت شود که چند خودرو ارتشی ، افراد مسلح را در اطراف پیاده کرد . این افراد که اکثرشان بازوبند پاسداران انقلاب و نقاب سر چهره داشتند ، در پامپا سنگر گرفتند و به تدریج از خیابانهای اطراف ، جمعیت را محاصره کرده شروع به تیراندازی هوایی کردند .

یورش های مسلحانه چند لحظه بعد شلیک مستقیم آغاز گشت . در تماس مستقیم با بیمارستانها و تأیید مردم تا ساعت شش بعد از ظهر ۶ فروردین شش تن کشته و ۲۶ تن مجروح گزارش شده است . در این میان مردم خشمگین با شعارهایی بر علیه جنایتکارانی که مانند دژخیمان رژیم سابق تظاهرات آرام را به گلوله می بندند ، متفرق شدند .

افراد مسلح ارتش و کمیته ابتدا به کتابخانه کانون فرهنگی یورش می برند و آنرا به آتش می کشند سپس با گاز اشک آور ، تارنیک و مسلسل به دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق حمله می کنند .

طبق اطلاع رسیده کمیته امام از سه روز پیش در تدارک بوده و با اعزام گروههای مسلح از بهشهر ، گرگان ، علی آباد ، قوچان و تهران ، بشدت تقویت می شده است . مردم از ساعت شش بعد از ظهر با درست کردن سنگر در جلو محلات شروع به مقاومت می کنند . پاره ای از روستائیان مسلح ترکمن برای کمک مردم به شهر می آیند . با وجود این نیروی مردم قابل قیاس با نیروی ارتشی های نقابدار نبوده و تیراندازی تا ساعت ۸ شب ادامه داشته است .

روز سه شنبه ساعت هفت صبح سه شنبه ۷ فروردین در تماس با مردم گنبد یکی از اهالی گفت : خانواده ای میگوید بچه ام را ارتشی های نقابدار دیروز در باغ ملی تیر زدند او مجروح در بیمارستان افتاده . نمی گذارند بچه ام را ببینم . چرا نمی گذارند ؟

تلفن دیگری از محله فارس نشین : دولتی ها به خانه ما ریخته اند آنها به خانه مردم می ریزند . شیشه ها را می شکنند و خانه را درهم می ریزند ، خانه گردی راه انداخته اند اینها دیگر کی هستند ؟

ملاقات با نخست وزیر و وزیر خارجه

مولود قاسم فرستاده ویژه رئیس جمهوری الجزایر پیش از ظهر دیروز با مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت انقلاب دیدار و گفتگو کرد .

* پیش از ظهر دیروز علی نمیری سفیر سودان در ایران با دکتر سنجابی وزیر امور خارجه ملاقات داشت و درباره اریتره با وی گفتگو کرد .

اوپک قیمت نفت را افزایش داد

ژنو - وزرای عضو کشور های صادر کننده نفت دیروز تصمیم گرفتند قیمت نفت را از اوائل ماه آوریل ۹ درصد افزایش دهند .

آگاهان اظهار نظر می کنند

افزایش قیمت نفت بعد از برخورد های شدید بین گروه محافظه کار طرفدار غرب برهبری عربستان سعودی و گروه تندرو برهبری لیبی و عراق انجام گرفت . اجلاس آینده اوپک در ماه ژوئن خواهد بود .

نگرانی از شایعه

خبر نگارم تلفنی از مهاباد گزارش داد . در شهر مهاباد شایعه شده است آقای حسن بابا طاهری از طرف دولت بسمت فرماندار مهاباد تعیین شده است . خبر حاکی است مردم مبارزان این اقدام احتمالی دولت بشدت نگرانند در صورتیکه این خبر صحت داشته باشد این اقدام بشایعه اقدام غیر دوستانه دولت در مورد تقاضای خودمختاری مردم کردستان تلقی خواهد شد .

دهقانان گیلان می خواهند

نخست وزیر جمهوری اسلامی را برای آنها تشریح کند

روستائیان شمال - منطقه فوئونات - در نامه ای از مهدی بازرگان نخست وزیر خواسته اند تا قبل از فراتر اند ، با در اختیار نهادن دفترچه های قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای آنان تشریح کند .

در نامه آمده است : ما می خواهیم قبل از رأی گیری بدانیم که مناقع ما در جمهوری اسلامی چگونه تأمین میشود و اعتقاد داریم جز با مطلع شدن از مفاد جمهوری اسلامی نمی توانیم آگاهانه به آن رأی دهیم .

سر لشکر فرید

بقیه از صفحه ۱

بیوگرافی سر لشکر فرید

رئیس جدید ستاد ارتش ملی اسلامی ایران سال ۱۳۰۱ در تهران متولد شد دوران تحصیلی را از ابتدائی تا پایان دانشگاه افسری در همین شهر گذراند و در سال ۱۳۲۲ به درجه افسری نائل گردید . رئیس تازه ستاد ارتش ملی اسلامی ایران ابتدا کار خود را از فرماندهی دسته آغاز کرد . و تا فرماندهی تیپ ادامه داد . آخرین پست سر لشکر فرید فرماندهی دانشگاه پدافند ملی به از سالها تدریس در همین دانشگاه بود . وی در سال ۱۳۵۴ بازنشسته شد و در طول ۴ سال گذشته اقدام به تالیف دو کتاب بنام « عصر استعمار زدائی » و « ادراک من از هستی » نمود . رئیس جدید ستاد ارتش دوره های مختلف تخصصی را در خارج از کشور گذرانده است .